

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام مسجد (۳)

ویژہ ائمہ محترم جماعات

مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان واحد آموزش و پژوهش

نشانی: مشهد، حرم مطهر، دوربرگردان طبرسی، جنب بنیاد پژوهش‌های
آستان قدس رضوی، ساختمان مرکز مدیریت حوزه علمیّه خراسان،
طبقه اول، مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان
تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۸۲۱۲

رایانامه: INFO@MASJEDKH.IR

پایگاه اطلاع‌رسانی: WWW.MASJEDKH.IR

ذی القعدہ ماہ امام رضا علیہ السلام
امور مساجد استان خراسان
ذی القعدہ ۱۴۳۴

فهرست مطالب

۸	مقدمه.....
۱۰	اول ذی القعدة: حضرت معصومه 3 و شهر قم.....
۱۱	دوم ذی القعدة: مرجعیت و مسأله تقلید.....
۱۲	سوم ذی القعدة: راههای نفوذ شیطان.....
۱۳	چهارم ذی القعدة: جهاد مالی، استفاده صحیح از مال و ثروت.....
۱۵	پنجم ذی القعدة: توحید.....
۱۶	ششم ذی القعدة: دانشگاهی به وسعت عاشورا (۱)؛ فرهنگ جهاد.....
	هفتم ذی القعدة: دانشگاهی به وسعت عاشورا (۲)؛ استقامت در راه
۱۷	خدا حتی در تنهایی.....
۱۸	هشتم ذی القعدة: فقط برای خدا (۱)؛ راههای به دست آوردن اخلاص.....
۲۰	نهم ذی القعدة: فقط برای خدا (۲)؛ موانع به دست آوردن اخلاص.....
۲۱	دهم ذی القعدة امام شناسی (۱)؛ ولایت تکوینی.....
۲۶	یازدهم ذی القعدة: امام شناسی (۲)؛ ولایت تشریعی.....
۳۱	دوازدهم ذی القعدة: یهودیان بنی قریظه.....
۳۷	سیزدهم ذی القعدة: تزکیه.....
۳۹	چهاردهم ذی القعدة: دعا (۱)؛ معجزه نیایش.....

- پانزدهم ذی القعدة: دعا (۲): دلائل عدم استجابت دعا..... ۴۱
- شانزدهم ذی القعدة: ارزش علم و عالم..... ۴۳
- هفدهم ذی القعدة: عذاب الهی..... ۴۴
- هجدهم ذی القعدة: وحدت اسلامی..... ۵۴
- نوزدهم ذی القعدة: داستان حضرت ابراهیم و اسحاق ۴۷
- بیستم ذی القعدة: نماز؛ انس با خدا (۱)..... ۴۸
- بیست و یکم ذی القعدة : نماز؛ انس با خدا (۲)..... ۵۰
- بیست و دوم ذی القعدة: آداب زیارت (۱)؛ آداب پیش از تشریف..... ۵۱
- بیست و سوم ذی القعدة: آداب زیارت (۲)؛ آداب هنگام تشریف..... ۵۶
- بیست و چهارم ذی القعدة: آداب زیارت (۳)؛ آداب پس از تشریف..... ۶۴
- بیست و پنجم ذی القعدة: دحو الارض و تفکر در آفرینش..... ۶۶
- بیست و ششم ذی القعدة: قناعت..... ۶۸
- بیست و هفتم ذی القعدة: مصائب و بلايا..... ۶۹
- بیست و هشتم ذی القعدة: تقابل حق و باطل..... ۷۱
- بیست و نهم ذی القعدة: درسهایی از زندگی امام جواد 7 (۱)..... ۷۲
- آخر ماه ذی القعدة: درسهایی از زندگی امام جواد 7 (۲)..... ۷۴

مقدمه

ماه ذی القعدة یکی از ماه‌های حرام^۱ است. از خصوصیات ماه‌های حرام این است که ثواب عمل خیر مضاعف و عقاب عمل حرام نیز دو چندان می‌گردد.^۲

روزه در ماه‌های حرام:

هر که در یکی از ماه‌های حرام سه روز متوالی که پنج شنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته می‌شود.^۳

فضیلت ماه ذی القعدة:

سید بن طاووس در فضیلت این ماه می‌گوید: «ماه ذی القعدة ماهی است که به هنگام شدت و گرفتاری، زمان خوبی برای دعاست، و برای رفع ظلم و ستم و دعا بر ضد ظالم مؤثر است»^۴.

همچنین می‌گوید: «این ماه «ماه اجابت دعاها» نامیده شده است، لذا باید اوقاتش را غنیمت شمرد و در آن روزه حاجت گرفت»^۵.

نماز در روز یکشنبه این ماه:

برای نماز در روز یکشنبه این ماه روایتی از رسول خدا 6 نقل شده‌است. در فضیلت این نماز، آمده‌است که هر کس آن را بجا آورد توبه اش پذیرفته می‌شود و گناهانش آمرزیده می‌گردد و سبب برکت برای نمازگزار و خانواده‌اش خواهد بود، و در روز قیامت کسانی که از او طلبی و یا حقی دارند، از وی راضی گردند و با ایمان از دنیا می‌رود و قبرش برای او وسیع و نورانی گردد و پدر و مادرش از او راضی شوند، و آنها نیز مورد

۱ - ماه‌های حرام عبارتند از ذی القعدة، ذی الحجة، محرم و رجب.

۲ - شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان؛ بخش اعمال ذی القعدة

۳ - همان.

۴ - اقبال الاعمال، ص ۳۰۶.

۵ - همان، ص ۳۰۷.



مغفرت خداوند قرار گیرند، ذریه او نیز بخشیده شوند و روزی او وسیع گردد. فرشته مرگ به هنگام مردن، با او مدارا کند و به آسانی جان‌ش را بگیرد. شرح تفصیلی این نماز در کتاب شریف مفاتیح الجنان آمده است.^۱

زیارت حضرت رضا ۷ در ماه ذی‌القعدة:

حضرت رضا ۷ در مورد زیارت خویش فرمودند: هر کس مرا در این شهر غریب زیارت کند، من در سه جا در روز قیامت نزد او خواهم آمد و او را از ترس رهایی می‌بخشم: اول وقتی نامه‌های اعمال را به دستش می‌دهند؛ دوم هنگام عبور از صراط؛ و سوم هنگامی که اعمال را در ترازوی اعمال قرار می‌دهند.^۲

۱- همان، ص ۳۰۸.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۵۷-۲۵۹.



اول ذی القعدة: حضرت معصومه 3 و شهر قم

مناسبت: میلاد حضرت فاطمه معصومه^۱ 3.

نکته‌ها:

۱. درباره فضیلت زیارت حضرت فاطمه معصومه 3 خواهر گرامی امام رضا 7 که در قم مدفونند؛ علامه مجلسی حدیث زیبایی از ایشان نقل می‌کند که امام 7 از یکی از یارانشان به نام «سعد اشعری» می‌پرسند: «یا سَعْدُ عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرٌ؟» [ای سعد! آیا در میان [شهر] شما از ما اهل بیت قبری هست؟] سعد پاسخ می‌دهد: «بله فدایت شوم قبر فاطمه دختر امام موسی کاظم 7». سپس امام رضا 7 می‌فرمایند: «مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ» [هر کس آن بانو را در حالی که نسبت به ایشان معرفت دارد زیارت کند بهشت از آن اوست] سپس حضرت زیارتنامه مخصوص ایشان را به سعد آموزش می‌دهند.^۲
۲. بعد از حضرت فاطمه زهرا 3 تنها زیارتی که از امام معصوم برای یک زن نقل شده، زیارت حضرت معصومه 3 است.
۳. «حق شفاعت» مقام والایی است که در زیارت‌نامه ایشان به آن تصریح شده^۳ و بنا به برخی از روایات، این شفاعت شامل همه شیعیان می‌شود.^۴
۴. لقب معصومه توسط امام رضا 7 به ایشان داده شده است. «من زار المعصومة بقم کمن زارنی»^۵
۵. امام صادق 7 می‌فرمایند: «شهر قم، حرم ما است و در آن زنی از فرزندان من مدفون می‌شود، به نام فاطمه 3 هر کس او را زیارت کند بهشت برای او واجب می‌شود.»^۶
۶. امام صادق 7 می‌فرمایند: «وَأَنَّ الْبِلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قَمٍ وَأَهْلِهَا؛ بَلَاهَا مِنْ قَمٍ وَأَهْلِهَا أَنْ يَكُونَ دَوْرًا.»^۷
۷. این شهر قم نامگذاری شد چون مردمش با قائم آل محمد 7 اجتماع و با او قیام، و برای او استقامت می‌کنند و یاریش می‌نمایند.^۸

۱- فروغی از کوثر؛ زندگی نامه حضرت فاطمه معصومه^۲ ص ۳۲.

۲- بحارالانوار ج ۹۹ ص ۲۶۶.

۳- مفاتیح الجنان - زیارت‌نامه حضرت معصومه^۲.

۴- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۶.

۵- زاد المعاد، ص: ۵۴۷.

۶- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷.

۷- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۵.

۸- بحارالانوار ج ۵۷ ص ۲۱۶.



دوم ذی القعدة: مرجعیت و مسأله تقلید

مناسبت: شمیم عطر میلاد حضرت معصومه 3

نکته‌ها:

۱. خداوند برای کسی که در پی دانش راه بیمایید، راهی به سوی بهشت می‌گشاید؛ و فرشتگان بال و پرشان را برای جویای علم فرو می‌گسترند.^۱

۲. علم و معرفت عظمتی بر جسم و پیکر خاکی عالم می‌بخشد که حتی نگاه بر چهره عالم عبادت محسوب می‌شود.^۲

۳. پیامبر اکرم 6 می‌فرماید: ارزشمندترین مردم کسی است که علم بیشتری داشته باشد و کم‌ارزش‌ترین آنان کسی است که دانش کمتر داشته باشد.^۳

۴. بنای عقلاء و شیوه زندگی ایشان این است که در همه اموری که نمی‌دانند به کسی که می‌داند رجوع می‌کنند و در مواردی که تخصص ندارند به متخصص رجوع می‌کنند.

۵. رجوع به متخصص در «باید و نبایدهای دینی» تقلید نام دارد.

۶. ما در عمل کردن به «باید و نبایدهای دینی» سه راه داریم: یا خود با تحقیق فراوان به پرسش «نظر خدا درباره ... چیست؟» پاسخ می‌دهیم (اجتهاد)؛

یا این پرسش را از کسی که می‌داند می‌پرسیم فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۴ (تقلید) و یا بدون دستیابی به پاسخ، به گونه‌ای عمل کنیم که مطمئن شویم وظیفه‌ای را ترک نکرده‌ایم (احتیاط).

۷. عقاید و «هست و نیست‌های دینی» قابل تقلید نیست و هر کس باید خود با تحقیق به عقیده صحیح دست یابد.

۱- کافی؛ ج ۱، ص ۴۲، ح ۱.

۲- منتخب میزان الحکمة: ۳۹۸.

۳- امالی، صدوق/۱۹.

۴- نحل، ۴۳.



سوم ذی القعدة: راههای نفوذ شیطان

مناسبت: خروج حضرت آدم و حوا 8 از بهشت^۱

نکته‌ها:

۱. خداوند در قرآن از زبان شیطان می‌فرماید: قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ^۲ ابلیس گفت: «به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد مگر بندگان خالص تو را!»

۲. مهمترین عامل در بستن راه شیطان اخلاص است یعنی این که عملی را که انسان انجام می‌دهد، فقط به خاطر خدا باشد و انگیزه‌های مادی و غیرمادی در آن دخالت نداشته باشد.

۳. کوچک شمردن گناه که خود گناهی بزرگ است، سبب چیره شدن شیطان بر انسان و گرفتاری در دام او می‌شود^۳.

۴. پیامبر اکرم 6 می‌فرماید: «مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةٍ سَنَّهُ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَا وَيْلَهُ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثَّلَاثِ الْبَاقِي» هر جوانی که در سن کم ازدواج کند، شیطان فریاد بر می‌آورد که: وای بر من، وای بر من! دو سوم دینش را از دستبرد من، مصون نگه داشت. این جوان باید در یک‌سوم باقی تقوا پیشه کند^۴.

۵. هر عملی که بدون استعانت گرفتن از خدا انجام گیرد و در آغاز آن بسم الله الرحمن الرحيم گفته نشود، شیطان در آن شریک است^۵.

۶. شیطان به عالم بی‌بهره از ادب به عنوان طعمه نگاه می‌کند و برای گمراهی او طمع می‌ورزد^۶.

۷. شیطان برای گمراهی هر چه بیشتر، انسان را از یاد مرگ غافل می‌کند و او را مشغول و حریص در به دست آوردن آرزوهایش می‌کند^۷.

۸. در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست. پیامبر اکرم 6 در سفرارش خطاب به امیرالمومنین 7 می‌فرماید: هرگاه قصد کار خیری کردی شتاب کن وگرنه شیطان تو را از آن باز می‌دارد^۸.

۱- سید حسن میر حافظ؛ تقویم الواعظین؛ ۱۸۴

۲- ص آیه ۸۲، ۸۳

۳- کافی ج ۲ ص ۳۱۴

۴- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱

۵- محاسن، ج ۲، ص ۴۳۳

۶- کنز العمال، ج ۴۵۴۰۹

۷- الکافی، ج ۳، ص ۲۵۸، ج ۲۷

۸- بحار الأنوار، ج ۷، ص ۳۹



چهارم ذی القعدة: جهاد مالی، استفاده صحیح از مال و ثروت

مناسبت: وفات حضرت خدیجه^۱ 3 (بنا بر نقلی)

نکته‌ها:

۱. اموال در دست ما مایه آزمایش است «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ

فِتْنَةٌ»^۲

۲. از این اموال می‌توانیم در راه خدا استفاده کنیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۳

۳. مایا حق نداریم از اموالمان در راه باطل استفاده نماییم: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»^۴

۴. امام علی 7 درباره آیه «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»^۵

فرمود: معنایش این است که خداوند سبحان بندگان خود را به وسیله ثروت و فرزند می‌آزماید تا معلوم شود چه کسی از روزی خود ناخشنود است و چه کسی به بهره خود راضی.

۵. امام صادق 7 می‌فرماید: «الكَادُّ عَلَىٰ عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». کسی که در پی روزی حلال برای خود و خانواده‌اش باشد، همانند کسی است که در راه خدا جهاد کند.^۶

۶. در حدیث قدسی می‌خوانیم: کسی که برایش مهم نباشد دینار و درهم را از چه راهی به دست می‌آورد، برای من هم مهم نخواهد بود که او را از کدام در، جهنم وارد آتش دوزخ سازم^۷

۷. امام صادق 7 می‌فرماید: ثروت از آن خداست و امانت نزد بندگان است و خداوند دستور داده است که از آن در حد متعارف بخورند و بیاشامند و لباس تهیه کنند و ازدواج کنند و برای سواری از آن استفاده کنند و با بقیه آن به مومنان نیازمند انفاق کنند.^۸

۱- سید حسن میر حافظ : تقویم الواعظین ؛ ۱۸۴

۲- انفال ۸: ۲۸.

۳- صف ۶۱: ۱۱ و ۱۰

۴- بقره ۲: ۱۸۸

۵- انفال ۸: ۲۸.

۶- کافی ج ۵ ص ۸۸

۷- بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۵ ح ۱۷

۸- بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۱۶ ح ۷۴



۸. خداوند متعال در قرآن کریم یکی از ویژگی های متقین را انفاق کردن مال می داند «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ».
۹. خداوند از میان اموال و نعمت هایی که به بندگان عطا می کند، سهمی را برای فقرا قرار داده است و کسی که خداوند به او مالی ارزانی داشته و او از صدقه دادن بخشی از آن مال خودداری می کند، از رحمت خداوند محروم می شود.^۲

۱- بقره ۲: ۳.

۲- بحار الانوار: ج ۹۶ ص ۱۳۳



پنجم ذی القعدة: توحید

مناسبت: بالا بردن دیوار خانه کعبه توسط حضرت

ابراهیم^۱ 7

نکته‌ها:

۱. اساس دین، توحید است و توحید آن است که سزاوار شماری پروردگار را به آنچه خود شایسته آن هستی (صفات مخلوقات را به او نسبت ندهی)^۲.

۲. مردی به محضر رسول خدا 6 آمد و پرسید: بالاترین مرحله علم چیست؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «شناخت خدا آن گونه که شایسته او است»^۳.

۳. حقیقت معرفت خداوند این است که بدانی خدا نه مثلی دارد، نه شبیهی، و او را به عنوان معبود واحد، خالق، قادر، اول، آخر، ظاهر و باطن شناسی، که نه همتایی دارد و نه مانندی^۴.

۴. شرک و انحراف از صراط توحید و یکتاپرستی، ظلم بزرگ است، که حضرت لقمان در نصایحش به فرزند خود به آن تصریح دارد^۵.

۵. توسل به وسائل و تسبب به اسباب با توجه به اینکه خداست که سبب را آفریده است و خداست که سبب را قرار داده است و خداست که از ما خواسته است از این وسائل و اسباب استفاده کنیم به هیچ وجه شرک نیست بلکه عین توحید است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^۶

۶. شفاعت که همان بهره گرفتن شایستگان از رحمت گسترده و مغفرت پروردگار در پرتو وساطت اولیای الهی است، با اصل توحید منافات ندارد، زیرا تأثیر این اسباب همه به فرمان و اذن خدا است. «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»^۷
۷. در قرآن کریم برای ممکنات آثار مختص به خود ثابت شده است ولی اثر تبعی و در طول قدرت الهی و این هیچ گونه منافاتی با توحید در افعال خداوند ندارد. زیرا ممکنات تأثیر استقلالی ندارند و صاحب اثر حقیقی کسی چیز خدای متعال نیست. «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا»^۸

۱- وقایع الایام، شیخ عباس قمی، صفحه ۸۸

۲- بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۷.

۳- بحار، ج ۳، ص ۱۴.

۴- بحار، ج ۳، ص ۱۴.

۵- لقمان ۳۱: ۱۳.

۶- مائده ۵: ۳۵.

۷- بقره ۲: ۲۵۵

۸- سجده ۳۲: ۲۷ فاعل نخرج خداوند است ولی این کار به وسیله آب می‌گردد



ششم ذی القعدة: دانشگاهی به وسعت عاشورا (۱)؛

فرهنگ جهاد و شهادت

مناسبت: نامه نگاشتن جناب مسلم 7 در کوفه برای امام

حسین 7^۱

نکته‌ها:

۱. در خطبه بیستم نهج البلاغه می‌خوانیم: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَنْ أَحْبَبَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدَرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجُنَّتُهُ الْوَيْقَاقَةُ» [جهاد، دری است از درهای بهشت که خدا به روی گزیده دوستان خود گشوده است، و جامه تقوی است که بر تن آنان پوشیده است زره استوار الهی است که آسیب نبیند و سپر محکم اوست که تیر در آن نشیند].

۲. شهادت اوج کمال انسان است، آنگاه که انسان تمام هستی خود را در راه معبود نثار می‌کند. بالاتر از هر خیر و نیکی، خیر و نیکی وجود دارد تا انسان در راه خدا کشته شود که بالاتر از کشته شدن در راه خدا، خیر و نیکی یافت نشود.^۲

۳. در قرآن دربارهٔ شهدا می‌خوانیم: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ»^۳ مقام شهید مقام عنایت الهی است «عِنْدَ رَبِّهِمْ» که نشان می‌دهد آنان زندگان جاویدند زیرا «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٌ»

۴. از امام باقر 7 نقل است که مردی به نزد رسول خدا 6 آمد و گفت: «من بسیار مایل‌م که در جهاد شرکت کنم.» پیامبر 6 به او فرمودند: «در راه خدا جهاد کن که اگر کشته شوی نزد خدا زنده خواهی بود و روزی خواهی خورد و اگر بمیری اجرت را خدا خواهد داد و اگر به منزل باز گشتی بی‌شک پاک از گناهان خواهی بود.»^۴
۵. امام خمینی (ره) می‌فرماند: «شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصولشان عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ اند؛ و از «نفوس مطمئنه‌ای» هستند که مورد خطاب قَادِخِلِي فِی عِبَادِي و ادْخِلِي جَنَّتِي پروردگارند. اینجا صحبت عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد.»^۵
۶. شهداء همچون انبیاء و علماء دارای مقام شفاعتند. پیامبر اکرم 6 می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيُشَفَّعُونَ الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ».

۱- مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۴-لهوف، ص ۲۰۰

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰، ح ۲۱.

۳- آل عمران ۱۶۹.

۴- تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۰۶.

۵- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴۷.

۶- بحار الانوار، ج ۸ ص ۳۴.



هفتم ذی القعدة: دانشگاهی به وسعت عاشورا؛ استقامت در راه خدا حتی در تنهایی

مناسبت: نامه نگاشتن جناب مسلم 7 در کوفه برای امام حسین 7

نکته‌ها:

۱. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند]: «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید».

۲. امام صادق 7 این آیه را در وصف امامان شیعه و پیروان ایشان می‌داند: «هُمُ الْأَيُّمَةُ وَيَجْرِي فِيهِمْ اسْتِقَامٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ سَلَّمَ لِأَمْرِنَا»^۱ البته شرط آن پیروی و تسلیم بودن است. ۳. استقامت همچون عمل صالح میوه درخت ایمان است؛ زیرا ایمان هنگامی که عمق و نفوذ کافی پیدا کند انسان را دعوت به استقامت خواهد کرد.^۲

۴. «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم. جمله «لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» مثلی است که توسعه در رزق را می‌رساند.^۳

۵. شخصی از پیامبر گرامی اسلام 6 خواست تا او را سفارشی نماید حضرت فرمود: «قُلْ رَبِّي اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقِمْ» بگو: پروردگار من خداست و بر این گفته خود بایست. ۶. صرف اظهار ایمان به تنهایی نمی‌تواند سبب سعادت شود، بلکه باید پایداری در این مسیر نیز داشت و چه بسیار مؤمنانی که به خاطر عدم استقامت و پایداری در راه دین، ایمان و تمام سرمایه خود را از دست داده‌اند.

۱- فصلت ۳۰.

۲- بحار الانوار ج ۲ ص ۲۰۲.

۳- برگزیده تفسیر نمونه جلد ۴، قسمت ۱۶.

۴- جن ۱۶.

۵- المیزان ج ۲۰ ص ۴۶ ذیل این آیه

۶- بحار الانوار ج ۴۰ ص ۱۷۵.



هشتم ذی القعدة: فقط برای خدا (۱)؛ راه‌های به دست آوردن اخلاص^۱

مناسبت: کشتن عمرو بن عبدود توسط حضرت امیرالمؤمنین 7

نکته‌ها:

۱. در حدیث قدسی می‌خوانیم: «الإِخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِی ، اسْتَوْدَعْتُهُ قَلْبَ مَنْ أَحْبَبْتُ مِنْ عِبَادِی^۲» اخلاص سرّی از اسرار من است و من آن را به دل بندگان که دوستشان دارم ، می‌سپارم .

۲. پیامبر اکرم 6 فرمود: «بِالإِخْلَاصِ تَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ^۳» برتری درجات مؤمنان بر یکدیگر به اخلاص است. ۳. در درگاه الهی مبنای سنجش ارزش اعمال، اخلاص است. هر چه اخلاص در عمل بیشتر باشد، ارزشش بیشتر است تا جایی که یک ضربه شمشیر که با اخلاص علوی انجام شده برابر با عبادات ثقلین می‌شود. ضَرْبَةُ عَلَیَّ یَوْمَ الْخُنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ^۴.

۴. کوتاه ترین راه عقلی برای رسیدن به اخلاص و ریشه‌کن کردن «ریا» تقویت توحید در دل خود می‌باشد. منظور از توحید در این مقام، توحید افعالی می‌باشد یعنی، انسان باور کند که فاعل و مؤثری در عالم جز خداوند نیست، لا مؤثر فی الوجود الا الله.

۵. امیرالمؤمنین 7 می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَالدُّعَاءَ، وَ لَمْ يَشْغَلْ قَلْبُهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ، وَ لَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَاهُ، وَ لَمْ يَحْزَنْ صَدْرُهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرُهُ.» در این روایت سه راه اخلاص بیان شده‌است که ۱- آنچه می‌بیند، دلش را به خود مشغول نسازد ؛ ۲- آنچه می‌شنود، او را از یاد خدا غافل نکند ؛ ۳- به سبب آنچه به دیگران داده شده، سینه‌اش را غم و اندوه نگیرد. ۶. ترک غفلت یکی از بهترین راه‌های به دست آوردن اخلاص است. امام صادق 7 می‌فرماید: لَا بُدَّ لِلْعَبْدِ

۱- سید حسن میر حافظ ؛ تقویم الواعظین ؛ ۱۸۵

۲- منیه المريد ؛ ۱۳۳ .

۳- تنبيه الخواطر ؛ ۱۱۹/۲ .

۴- بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۹۶



مِنْ خَالِصِ النَّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سُكُونٍ، إِذْ لَوْ لَمْ يَكُنْ
 بِهَذَا الْمَعْنَى يَكُونُ غَافِلًا، وَ الْغَافِلُونَ قَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ بِقَوْلِهِ:
 «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»^۱ بنده باید در تمام
 حرکات و سکونات خود نیت خالص داشته باشد؛ زیرا اگر
 چنین نباشد، غافل است و غافلان را خداوند چنین وصف
 کرده است که «آنان همچون چارپایانند و بلکه گمراهند»^۲.
 ۷. بنده هرگز به حقیقت اخلاص نمی‌رسد، جز آن که دوست
 نداشته باشد او را بر عمل خدایی، بستانند^۳.

۱- الفرقان : ۴۴.

۲- مصباح الشریعة : ۳۹.

۳- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۴



نهم ذی القعدة: فقط برای خدا (۲)؛ موانع به دست آوردن اخلاص

نکته‌ها:

۱. تا وقتی انسان اسیر هوای نفس باشد نمی‌تواند اعمالش را خالصانه و فقط برای خداوند انجام دهد. حضرت علی ۷ فرمودند: چگونه توانایی بر اخلاص دارد کسی که هوای نفس بر او غالب است.^۱

۲. آرزوهای دور و دراز مانع از اخلاص در عمل می‌شود. امیرالمؤمنین ۷ فرموده‌است: آرزوها را کم کن و دامنه آرزوهای دور و دراز را جمع نما تا اعمال تو خالص شود.^۲

۳. حضرت علی ۷ فرمودند: من بر شما از دو چیز می‌ترسم؛ پیروی هوس، و آرزوی دراز، زیرا پیروی از هوس شما را از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز باعث فراموشی آخرت می‌شود.^۳

۴. شیطان با ایجاد دلبستگی و حب به دنیا در انسان باعث می‌شود که همه زندگی آدمی و حتی بندگی ذات حق تعالی، وسیله ای برای دسترسی و برخورداری بیشتر از دنیا باشد.^۴

۵. آنچه در دنیا جلوه نموده است، حقیقت نیست، فریب و غرور است: وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ. «و زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست».^۵

۶. از امیرمؤمنان علی ۷ روایت شده است: «احذر الدنیا فانها شبکه الشیطان». از دنیا پرهیز که به درستی آن دام شیطان است.^۶

۷. یکی از دام‌های بزرگ شیطان، ریا است که گاهی انسان یک عمر عبادت می‌کند و ناگهان متوجه می‌شود همه اعمال او بر اثر نبود اخلاص باطل بوده است.

۸. ریا گناهی است که ریشه در اعتقادات دارد. در حدیثی از امام صادق ۷ آمده است: هر ریائی شرک است، هر کس برای مردم عمل کند، پاداش او بر مردم است، و هر کس برای خدا عمل کند ثوابش بر خداست.^۷

۱- غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۵۵۳

۲- غرر الحکم، حدیث ۳۹۰۶، ۱۱۵

۳- الکافی، ج ۲، ص ۳۳۵.

۴- حجر، ۳۹

۵- آل عمران/ ۱۸۵

۶- غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۵۶

۷- کافی، ج ۲، ص ۲۹۳.



دهم ذی القعدة امام شناسی (۱)؛ ولایت تکوینی

مناسبت: میلاد مسعود امام علی بن موسی الرضا 7

نکته‌ها:

ولایت تکوینی^۱ یعنی اینکه یک شیء واقعاً و نه از سر اعتبار و قرارداد؛ نسبت به یک شیء دیگر تسلط و سلطنت داشته باشد یعنی به گونه‌ای باشد که بتواند در او تصرف کند و این رابطه را با اشیاء دیگر نداشته باشد.

بهترین مثال برای ولایت تکوینی، در میان مثالهایی که برای ما قابل درک است، رابطه نفس و بدن است با این توضیح که نفس ما بدون اینکه کسی قانونی وضع کرده و یا قراردادی بسته باشد، واقعاً اختیار و سلطنت بدن را بر عهده دارد و می‌تواند در او تصرف کند در حالی که در بدن دیگران تسلطی ندارد. این تصرف همانگونه که اعتباری نیست با اعتبار و قانون هم پایان نمی‌پذیرد^۲. همچنین نهایت نزدیکی و قرب بین دو نفس و بدن برقرار است به گونه‌ای که هیچ حجاب و حائلی بین آن دو نمی‌باشد.

نکته حائز اهمیت این است که می‌دانیم بر اساس آموزه‌های اسلام، خداوند بر تمام هستی ولایت تکوینی دارد هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ^۳ یعنی تسلط و سلطنت خداوند بر عالم فراگیر و واقعی بوده و بی‌نیاز از هر گونه قرارداد و اعتباری است وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ^۴.

حال سؤال اینجاست که دو ادعای بالا یعنی ولایت تکوینی نفس انسان بر بدن او و ولایت تکوینی خداوند بر همه موجودات که طبعاً یکی از آنها بدن انسان است آیا با هم تنافی دارند یا خیر؟

کلید حل این سؤال فهم مسأله طولیت است. به این معنا که هم خداوند بر بدن تسلط دارد و هم نفس و این تسلط شراکتی هم نیست که منجر به تنازع و اختلاف بین خداوند و نفس شود بلکه خداوند از درِچه نفس و به واسطه نفس بر بدن سلطنت دارد و هر کاری که نفس نسبت به بدن انجام

۱- مراد از تکوین در این بحث عالم واقع و هستی است

۲- این رابطه با امر کاملاً واقعی مرگ پایان می‌یابد.

۳- کهف: ۴۴

۴- انعام: ۱۸: ۶



می‌دهد در حقیقت فعل و اثر خداوند است که از دریچه نفس ظاهر شده.

آری نفس بر بدن ولایت تکوینی دارد ولی این ولایت نافعی ولایت خداوند نیست بلکه در طول ولایت خداوند است: این تصویر تا حدّ زیادی این رابطه را نشان می‌دهد البته با این توضیح که خداوند نه اینکه در همان بالا مانده‌است و نفس جای آن تنگ کرده باشد بلکه خداوند مانند طوماری که گرچه اصلش در بالا است ولی تا پایین باز می‌شود، در عالم مادون ظهور داشته و همه هستی تجلی او و آیات اویند.

اما از نظر قرآن این تمام ماجرا نیست بلکه یک لایه دیگر نیز میان نفس و خداوند وجود دارد که با آن دو رابطه طولی برقرار ساخته است آری آن مرتبۀ وجودی، مرتبۀ امامت نام دارد *إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ*^۱ ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. [بنا به تفاسیر شیعی امیرالمؤمنین^۷]

فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ^۲ در حقیقت، خدا خود سرپرست اوست، و جبرئیل و صالح مؤمنان [بنا به تفاسیر شیعی امیرالمؤمنین^۷]

در این آیه خداوند ولایت را به خود و پیامبرش^۶ و امیرالمؤمنین^۷ نسبت داده است.

با این حال در آیات ذیل شدیداً کسانی را که غیر خداوند را ولی خویش می‌دانند توبیخ می‌کند:

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۳ آیا به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند؟ خداست که دوست راستین است، و اوست که مردگان را زنده می‌کند، و هموست که بر هر چیزی تواناست.

۱- مائده ۵: ۵۵

۲- تحریم ۴: ۶۶

۳- شوری ۴۲: ۹



قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ^۱ بگو: «آیا غیر از خدا - پدیدآورنده آسمانها و زمین - سرپرستی برگزینم؟^۲»

آیا آیات دسته اول با آیات دسته دوم تنافی دارند؟ آیا انحصار ولایت در خدا با اثبات آن برای پیامبر و امام در تضاد است؟ پاسخ این سؤال با توجه به آنچه درباره رابطه نفس و بدن گفته شد معلوم می شود:

آری ولایت رسول الله 6 و ائمه طاهرين : در طول ولایت خداوند است یا به عبارتی ولایت، أصالتاً و بالذات از آن خداست ولی به صورت عَرْضی و مرآتیی و بالتبع به ایشان نسبت داده شده است .

نظیر این مسأله درباره عزت نیز در قرآن آمده است: فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً عزت تماماً از آن خداست. وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.

عزت نیز همانند ولایت تماماً از خداست ولی در این آینه های تابناک و آیات درخشان، نمودار شده و تجلی کرده است. با این توضیحات به تصویر جدیدی دست یافتیم در این تصویر چند نکته نهفته است:

نکته اول: خداوند، پیامبر و امام، نفس و بدن در طول هم هستند یعنی هر یک تدبیر امور پایین تر از خود را بر عهده دارند. البته ولایت در خداوند أصالی و در بقیه تبعی است.

نکته دوم: این تصویر در واقع بیانگر سلسله وسائط می باشد که نزدیکترین واسطه به خداوند پیامبر و امام هستند به عبارت دیگر نزدیک ترین مرتبه وجودی به وجود، علم، قدرت و حیات بی نهایت، پیامبر و امامان می باشند.

و هُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ

۱- انعام ۶: ۱۴

۲- با دقت در این آیات می بینیم که در اینجا سخن از ولایت تکوینی است نه تشریعی. لذا خداوند در هر دو آیه پس از اثبات ولایت، صفتی واقعی را برای خود برشمرده است (خلقت زمین و آسمان و زنده کردن مردگان)

۳- فاطر ۳۵: ۱۰

۴- منافقون ۶۳: ۸



أَذْنَى در حالی که او [پیامبر] در اُفقِ اعلی بود؛ سپس نزدیک آمد و نزدیکتر شد، تا [فاصله‌اش] به قدرِ [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد؛

نکته سوم: واسطه بودن پیامبر و امام میان ما با خداوند به این معناست که اولاً ابتدا آنان خلق شده‌اند.

«أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» اولین چیزی که خلق شد نور من بود «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقَ أَرْوَاحِنَا» اولین چیزی که خلق شد نور من بود.

و ثانیاً سپس سایر موجودات به واسطه وجود آنها وجود یافته‌اند:

فَأِنَّا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا ۚ مسلماً ما ساخته پروردگارمان هستیم، و مردم پس از آن، ساخته شده ما هستند.

نکته چهارم: از اینکه در برخی روایات (مانند روایات نخستین خلق) از پیامبر و در برخی دیگر از اهل بیت : نام برده شده در می‌یابیم که مراد از امام و پیامبر در این بحث جسم ایشان نیست بلکه نوری (مرتبه‌ای از وجود) است که منشاء وجودی جسم ایشان می‌باشد نوری که از آن به عالم ولایت تعبیر می‌شود و در آن وحدت و یگانگی مطلق حکم فرماست ولی این نور در عالم دنیا به صورت چهارده انسان پاک ظهور می‌نماید: خَلَقْنِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَهْلَ بَيْتِي مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ خداوند تبارک و تعالی من و اهل بیت را از یک نور خلق کرد.

بدیهی است که اتصال به چنین مرتبه‌ای از وجود [زیارت] ربطی به ظهور ایشان در این عالم [حیات و ممات ظاهری] ندارد .

نکته پنجم: هر چه از عالم بالا به ما نازل شود ناگزیر از درِ چه نفس امام می‌گذرد لذا در اصطلاح به ایشان واسطه فیض گفته می‌شود. همچنین در سیر الی الله آنچه ما را به خداوند می‌رساند ایشانند لذا در قرآن از اهل بیت : به حبل الله و عروۃ الوثقی [طناب و ریسمان محکم الهی] تعبیر می‌شود یعنی آنچه مایه اتصال ما به خداوند است .



كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ 7 بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلَهُ
الَّذِي مَنْ سَلَكَ بِغَيْرِهِ هَلَكَ وَ كَذَلِكَ يَجْرِي الْأَيْمَةُ الْهُدَى
وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ
حُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى^۱.
امیرالمؤمنین 7 همان باب ورود بر خدا است که جز از سوی
وی روی بدو نتوان کرد، همان راه منحصری است که هر که جز
آن راه برود هلاک است و همچنین برای امامان بر حق یکی
پس از دیگری این حکم جاری است، خدا آنها را ستونهای
زمین ساخته تا مبادا بر اهل خود بلرزد، او است حجت رسا
بر هر که روی زمین یا زیر آن است.
نکته ششم: مراتب بالا نسبت به مراتب پایین تر علم حضوری
دارند لذا همانگونه ما نسبت به بدنمان آگاهییم و هرگز مثلاً
دستمان را فراموش نمی کنیم، امام معصوم نیز از حال ما
آگاهی کامل داشته و از ما غفلت نمی کند^۲.

۱- الکافی، ج ۱، ص: ۱۹۶

۲- تفصیل این سخن را در کلام شیعی ذیل مبحث علم امام پیگیری کنید.



یازدهم ذی القعدة: امام شناسی (۲)؛ ولایت تشریعی

مناسبت: میلاد مسعود امام علی بن موسی الرضا 7

نکته‌ها:

در احادیث فراوانی از جمله حدیث ذیل «پذیرش اطاعت کامل از امام معصوم» به عنوان شاخص مهم معرفت امام بیان شده است:

روزی امام صادق 7 از فضیلت زیارت عارفانه امام رضا 7 سخن گفت. حمزه بن حمران پرسید: قربانت گردم و مَا عَرَفَانُ حَقَّهُ [مراد از معرفت حق او چیست؟] فرمود: يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ این که بداند که اطاعت او واجب است و ایشان در راه خدا، غریبانه به شهادت رسیده‌اند.

همچنین در حدیث دیگری از امام باقر 7 اجر و پاداش زیارت متوقف به این شرط است که فرامین او را بر خود واجب بدانیم: مَنْ نَوَى مِنْ بَيْتِهِ زِيَارَةَ قَبْرِ إِمَامٍ مُفْتَرَضِ طَاعَتِهِ وَ أَخْرَجَ لِنَفْسِهِ مِنْهُمَا وَاحِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ جَلَّ ذِكْرُهُ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ كَتَبَ اسْمُهُ فِي دِيْوَانِ الصَّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ^۱.

هر کس به قصد زیارت قبر امامی که اطاعتش واجب است از خانه خارج شده و یک درهم در این راه خرج نماید هفتاد هزار حسنه برای او نوشته می‌شود، هفتاد هزار سیئه را محو می‌کند و نام او در دیوان صدیقین و شهدا ثبت می‌شود؛

ما شیعیان معتقدیم لزوم تبعیت از اهل بیت : که به اصطلاح به آن ولایت تشریعی گفته می‌شود در دو زمینه تجلی دارد یکی مرجعیت علمی ایشان و دوم حق حاکمیت.

فیلسوف و مفسر عالی قدر حضرت علامه طباطبایی(ره) در این باره می‌فرمایند:

شیعه طبق آنچه از تعالیم اسلامی به دست آورده بود معتقد بود که آنچه برای جامعه در درجه اول اهمیت است روشن شدن

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۵، ح ۱۷

۲- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴، ح ۳۴



تعالیم اسلام و فرهنگ دینی است و در درجه تالی آن، جریان کامل آنها در میان جامعه می‌باشد.

به عبارت دیگر، اولاً: افراد جامعه به جهان و انسان با چشم واقع‌بینی نگاه کرده وظایف انسانی خود را (به طوری که صلاح واقعی است) بدانند و به جا آورند اگر چه مخالف دل‌خواهشان باشد.

ثانیاً: یک حکومت دینی نظم واقعی اسلامی را در جامعه حفظ و اجرا نماید به طوری که مردم کسی را جز خدا نپرستند و از آزادی کامل و عدالت فردی و اجتماعی برخوردار شوند.

این دو مقصود، به دست کسی باید انجام یابد که عصمت و مصونیت خدایی داشته باشد وگرنه ممکن است کسانی مصدر حکم یا مرجع علم قرار گیرند که در زمینه وظایف محوله خود از انحراف فکر یا خیانت سالم نباشند و تدریجاً ولایت عادلانه آزادی بخش اسلامی به سلطنت استبدادی و ملک کسراتی و قیصری تبدیل شود و معارف پاک دینی مانند معارف ادیان دیگر دست‌خوش تحریف و تغییر دانشمندان بوالهوس و خودخواه گردد و تنها کسی که به تصدیق پیغمبر اکرم 6 در اعمال و اقوال خود مصیب و روش او با کتاب خدا و سنت پیغمبر مطابقت کامل داشت همان علی 7 بود.

در پذیرش ولایت تشریعی اهل بیت : چند نکته را باید لحاظ کنیم:

نکته اول: انسان همواره در زندگی تنها و تنها باید از خداوند اطاعت کند «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ^۲» [فرمان جز به دست خدا نیست] زیرا که ما همگان بنده اویم و مولای زیبایی‌ها اویم که ما را به نور حقیقی رهنمون می‌سازد:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ^۳
خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به در می‌برد.

۱- شیعه در اسلام، ص: ۳۴

۲- انعام ۶: ۵۷ و یوسف ۱۲: ۴۰

۳- بقره ۲: ۲۵۷.

۴- دقت کنید در این آیه بحث از ولایت تشریعی است لذا محدود به مؤمنان شده و آلا ولایت تکوینی خداوند شامل همه موجودات می‌شود و اختصاصی به مؤمنان ندارد.



اما پذیرش اطاعت از اهل بیت : به این دلیل است که اولاً ایشان از خود هیچ ندارند و آینه تمام نمای خداوندند^۱ روایات فراوانی مؤید این معنا برای اهل بیت : است از جمله حدیث نبوی:

« فَإِنَّهُ [عَلَى] مَمْسُوسٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ تَعَالَى^۲ »

همانا تمام وجود علی را ذات خدای تعالی پر کرده است.

همچنین در وصفشان در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

وَمَثَلُهُ الْأَعْلَى وَدَعْوَتُهُ الْحُسْنَى وَآيَتُهُ الْكُبْرَى

[شما] بلندمرتبه ترین نمونه و مثال برای خداوندید و به نیکوترین وجه همگان را به سوی او می خوانید و بزرگترین نشانه خدايید.

و ثانیاً یکی از دستورات خداوند اطاعت از اهل بیت : است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛

نکته دوم: ولایت تشریعی اهل بیت : مانند ولایت

تکوینی ایشان در طول ولایت خداوند است لذا هرگز اهل

بیت : دستوری بر خلاف قرآن صادر نمی نمایند^۳ و حتی

بالاتر، قول و فعل امام حجت است یعنی چون می دانیم هرگز

کلام و یا عملی که مخالف سخن پروردگار باشد از ایشان سر

نمی کند «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» [= هرگز از سر هوس سخن

۱- به چنین کسانی در اصطلاح قرآن مخلصین [کسانی که تمام وجودشان برای خداوند خالص شده است] گفته می شود.

این چنین کسی مانند یک نی خواهد بود که از خود هیچ ندارد و صدایی که از آن شنیده می شود در واقع صدای نی زن است. فعل چنین فردی فعل خداوند و گفتارش گفتار خداوند است. کلام قدسی زیر را که پیامبر اکرم p در معراج از خداوند شنیده است ببینید:

مَا يَتَقَرَّبُ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ. وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِإِلْفَالَةٍ حَتَّى أَجِبَهُ؛ فَإِذَا أَخْبَيْتُهُ كُنْتُ إِذَا سَمَعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ، وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَجِبْتُهُ؛ وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ

«هیچ بنده ای برای نزدیک شدن به من وسیله ای بهتر از انجام اموری که بر او تکلیف کرده ام نمی باید؛ این بنده همین چنین با انجام مستحبات آنقدر به من نزدیک می شود که من دوستار او می شوم، و وقتی دوستار او شدم همین گوش او که با آن می شنود گوش من خواهد شد، همین چشمان او که با آنها می بیند چشمان من خواهد شد، همین زبانی که با آن سخن می گوید زبان من خواهد شد و همین دستی که با آن ضربه می زند دست من خواهد شد؛ چنین بنده ای هر وقت مرا بخواند اجابتش خواهم کرد و هر چه از من بخواد به او خواهم داد.» [الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص: ۳۵۲]

۲- مناقب آل ابی طالب: ۳/ ۲۲۱ و وافی، ج ۳، ص: ۵۱۵.

۳- لذا یکی از راههای شناخت احادیث صحیح از احادیث جعلی عرضه آنها به کتاب خداست که آن را که مخالف سخن پروردگار باشد باید به کناری نهاد.



نمی‌گوید.] پس نتیجه می‌گیریم یکی از راههای رسیدن به نظر خداوند درباره هر چیزی، نگرستن به قول و فعل امام است.

از این مسئله در عقاید شیعی با عنوان «عصمت امام» یاد می‌شود. شیعیان معتقدند امامی که به واسطه قرب به خداوند، اسم اعظم، آیت کبری و مثل اعلای الهی شده و بر هر چیزی آگاهی دارد «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ» [و هر چیزی را در نزد امامی که حقایق را آشکار می‌سازد، برشمرده‌ایم] دچار لغزش و خطا نمی‌شود.

آیا ممکن است خداوند بگوید از من و از رسول من و از امامان اطاعت کنید در حالی که این سه گروه، در کردار و گفتار متفاوت باشند؟

آیا معنی دارد پیامبر اکرم 6 بارها و بارها عترت خویش را تا قیامت هم‌سنگ و همراه قرآن بخواند^۱ ولی عمل و کلام عترت چیزی غیر از قرآن و یا در مقابل آن باشد؟

نکته سوم: تشریع به معنای قانون‌گذاری است و با توجه به نکته اول و دوم، ولایت تشریعی اهل بیت : یعنی پذیرش قانون‌گذاری خداوند که ایشان ما را بی کم و کاست، از آن آگاه می‌سازند.

اما قانون‌گذاری با دو هدف صورت می‌گیرد گاهی مثلاً فردی برای خدمتگزاران خویش قوانینی را وضع می‌کند در این حالت فرد به دنبال کسب منافع بیشتر برای خویش است ولی وقتی یک پزشک برای بیمار خویش قانون «خوردن، نخوردن»

۱- حدیث نقلین از احادیث مسلم و قطعی است که به سینه طریق از اهل سنت و هشتادودو طریق از شیعیان نقل شده است: پیامبر اکرم p می‌فرماید: «دو چیز بزرگ و وزین را در بین شما می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم مواظب باشید که چگونه با آنها رفتار می‌کنید آن دو امر هرگز از هم جدا نخواهند شد تا این که در کوثر بر من وارد شوند». [ر.ک: البداية و النهایه، ج ۵، ص ۲۰۹؛ ذخائر العقبی، ص ۱۶؛ فصول المهمه، ص ۲۲؛ خصائص، ص ۳۰، الصواعق المحرقة، ص ۱۴۷]

از این حدیث چند مطلب مهم استفاده می‌شود:

۱- چنانچه قرآن تا قیامت در بین مردم باقی می‌ماند عترت پیغمبر نیز تا قیامت باقی خواهند ماند؛ یعنی هیچ زمانی از وجود امام و رهبر حقیقی خالی نمی‌گردد. ۲- پیغمبر اسلام به وسیله این دو امانت بزرگ تمام احتیاجات علمی و دینی مسلمین را تأمین نموده و اهل بیتش را به عنوان مرجع علم و دانش به مسلمین معرفی کرده اقوال و اعمالشان را معتبر دانسته است. ۳- قرآن و اهل بیت؛ نباید از هم جدا شوند و هیچ مسلمانی حق ندارد از علوم اهل بیت روی برگرداند و خودش را از تحت ارشاد و هدایت آنان بیرون نماید. ۴- مردم اگر از اهل بیت اطاعت کنند و به اقوال آنان تمسک جویند گمراه نمی‌شوند و همیشه حق در نزد آنهاست...



می‌نهد فقط به دنبال حداکثرسازی منافع بیمار است و طبیعی است که تخلفات بیمار آسیبی به پزشک نمی‌زند. قوانین الهی جملگی از دسته دومند با این تفاوت که نه تنها خداوند از سر لطف مهربانی بی‌پایان خویش و فقط برای مصلحت ما، این قوانین را وضع کرده بلکه او آگاه‌ترین کس به مصالح و مفاسد ماست و قوانین او بهترین و کارآمدترین قانونهاست «إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» [آری، خداست که مهربان، دقیق و آگاه است]

همچنین قوانین الهی تماماً در راستای «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» می‌کوشند صراط مستقیم را به ما نشان داده و ما را از افتادن در پرتگاههای زندگی باز دارند و همان گونه که وقتی پزشک می‌گوید عاقبت خوردن فلان دارو سلامتی و فلان غذا بیماری است، عقاب‌های اخروی نیز نه از سر جریمه و بلکه نتیجه طبیعی عمل ماست که توسط خداوند هشدار داده می‌شود.

نکته چهارم: قانون گذاری خداوند محدود به مسایل فردی نیست بلکه شامل تمامی ابعاد زندگی می‌شود و می‌کوشد همه روابط بشر را در جهت رسیدن به لقاء الله به عنوان نقطه کمال نهایی، تنظیم نماید. این تنظیم روابط شامل رابطه فرد با خدا (نظام عبادی) رابطه فرد با خود (نظام اخلاقی - عرفانی) رابطه فرد با همنوع (نظام حکومتی، اقتصادی - اجتماعی) رابطه فرد با محیط (حقوق حیوانات و محیط زیست) خواهد شد.



دوازدهم ذی القعدة: یهودیان بنی قریظه

مناسبت: محاصره بنی قریظه به مدت سه روز توسط

پیامبر اکرم 6^۱

نکته‌ها:

بنی قریظه^۲، یکی از قبایل یهود ساکن شهر مدینه بودند که در اطراف مدینه مالک باغات و مزارع بوده و در آن به کشاورزی اشتغال داشتند.

رسول خدا 6 پس از ورود به شهر مدینه و تشکیل حکومت، عهدنامه‌ای میان مهاجران و انصار از یک طرف و یهودیان مدینه از طرف دیگر نوشت و یهودیان را در دین و دارائی خویش آزاد گذاشت و شرایطی برای آنها مقرر نمود که طرفین ملزم به رعایت آنها بودند:

۱ - مسلمانان و یهودیان مانند یک ملت در مدینه زندگی خواهند کرد^۳.

۲ - مسلمانان و یهودیان در انجام مراسم دینی خود آزاد خواهند بود.

۳ - در هنگام پیشامد جنگ از این دو، دیگری را در صورتی که متجاوز نباشد علیه دشمن کمک خواهد کرد.

۴ - هر گاه مدینه مورد حمله و تاخت و تاز دشمن قرار گیرد هر دو با هم در دفاع از آن شریک مساعی خواهند کرد.

۵ - قرارداد صلح با دشمن با مشورت هر دو به انجام خواهد رسید.

۶ - چون مدینه شهر مقدس است از هر دو ناحیه مورد احترام و هر نوع خونریزی در آن حرام خواهد بود.

۷ - در موقع بروز اختلاف و نزاع، آخرین داور برای رفع اختلاف، شخص رسول الله 6 خواهد بود.

۸ - امضاء کننده گان این پیمان با همدیگر به خیرخواهی و نیکوکاری رفتار خواهند کرد.

۱- سید حسن میر حافظ؛ تقویم الواعظین؛ ۱۸۶

۲- با توجه به اینکه در جامعه شبهه گشته شدن یهودیان بنی قریظه بسیار مطرح است به این موضوع به صورت تفصیلی پرداخته‌ایم

۳- سیره ابن اسحاق، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۳. و ر. ک: حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه پاینده، ج ۱، ص ۱۰۰-۱.



این مفاد عهدنامه میان پیامبر اکرم 6 و تمام یهودیان بود که تمام حقوق آنها رعایت شده و جان و مالشان در امنیت حاصل از حکومت پیامبر محفوظ و مورد حمایت بوده است، این برخورد کریمانه رسول خدا 6 با آنها بود. اما برخورد آنها با ایشان و مسلمانان کاملاً برخلاف تمام مفاد عهدنامه بود و هرگز مفاد این عهدنامه از سوی رسول خدا 6 و مسلمانان مورد بی‌حرمتی واقع نشد، ولی آنها نه تنها بر علیه شخص رسول خدا 6 توطئه چینی می‌نمودند و با آن حضرت دشمنی می‌نمودند بلکه با مشرکان مدینه همدستی نموده و برای محکوم کردن و باطل جلوه دادن رسالت آن حضرت سؤالاتی از آن حضرت می‌نمودند که در پاسخ آنها آیاتی از قرآن کریم نازل می‌شد.^۱ کار دشمنی آنها با پیامبر 6 به جایی رسید که به طور علنی مفاد عهدنامه را زیر پا نهاده و با همکاری و تحریک مشرکان مکه، علیه مسلمانان در مدینه تحریک شده و مجهز می‌شدند چنانکه حیی بن اخطب نضری با تحریک ابوسفیان نزد کعب بن اسد قرظی، سرور بنی قریظه که از طرف قبیله خود با رسول خدا 6 قرار داد بسته بود رفت. اما کعب ابتدا از همکاری با او امتناع می‌ورزید، ولی پس از تحریکات او عهدنامه را شکسته و برای جنگ با پیامبر 6 آماده شدند، پیامبر 6 پس از آگاهی از این عهدشکنی گروهی را برای تحقیق و روشن شدن این قضیه برای مسلمانان (چون برای رسول خدا 6 روشن بود ولی آن حضرت می‌خواست کار با روال عادی پیش رود) اعزام نمود و آنها پس از اطلاع دقیق به مسلمانان اعلام کردند که نه تنها عهدشکنی نموده‌اند، بلکه به رسول خدا 6 ناسزا و سخنان ناروایی نسبت می‌دهند، این اظهار دشمنی کار را برای مسلمانان در مدینه بسیار سخت نمود بطوریکه منافقان مدینه شروع به زخم زبان زدن نموده و با کنایه به تحقیر اسلام و پیامبر 6 پرداختند. مشرکین نیز در این گیرودار بر علیه مسلمانان شمشیر تیز می‌نمودند،

۱- سیره ابن اسحاق، ص ۱۲۸-۱۳۵، و ص ۱۴۱-۱۳۸، ص ۱۴۹.

۲- سیره ابن اسحاق، ص ۱۵۲-۱۷۶، و ص ۲۲۰-۱۷۷.



پیامبر 6 جمعی را برای نگهبانی مدینه گسیل داشت تا از شرّ و خطر بنی قریظه محافظت زنان و کودکان نموده باشند.^۱ در حالی که مسلمین به شدت در محاصره مشرکین بودند و یهودیان بنی قریظه باید در این حال براساس قراردادشان به یاری مسلمانان برخیزند و از مدینه دفاع نمایند، اما کاملاً در فکر نابودی مسلمانان و سقوط مدینه بوده و با مشرکین همدستی می‌نمایند.^۲ پس از شکست مشرکین در محاصره مدینه و پایان یافتن جنگ احزاب که تمام احزاب مشرکین بر علیه اسلام متحد شده بودند، جبرئیل به حضور پیامبر 6 نازل شده و آن حضرت را خبر داد که خداوند می‌فرماید بر سر «بنی قریظه» رهسپار شوی رسول خدا 6 اعلام نمود که باید نماز عصر را در منطقه بنی قریظه بخوانیم، حضرت علی 7 پرچمدار بود پس از رسیدن به این منطقه و پشت قلعه‌های آنها، شنید که بنی قریظه گفتار زشتی درباره رسول خدا 6 می‌گویند. این قلعه‌ها مدت‌ها (مدت ۲۵ شب) مورد محاصره بود.^۳ تا اینکه بنی قریظه از روی ناچاری کامل تسلیم شدند.^۴ یهودیان گفتند: ای محمد 6 به حکم سعد بن معاذ راضی هستیم. او هر چه درباره ما حکم کند، آن را در حق ما اجرا کن، قبیله اوس به پیامبر 6 گفتند: ای رسول خدا «بنی قریظه» هم‌پیمانان ما هستند چنانکه با هم پیمان قبیله خزرج یعنی بی قینقاع برخورد کردید و آنها را مورد بخشش قرار دادید بنی قریظه را نیز مورد بخشش قرار دهید، پیامبر 6 فرمود: دوست ندارید مردی از خود را داور قرار دهید؟ گفتند چرا؟ به حکمیت و داوری سعد تن دادند و سعد که در جنگ خندق «احزاب» زخمی شده و بستری بود برای داوری حاضر شد، و چنین حکم کرد «مردان آنها کشته شوند و مالهایشان قسمت شود و فرزندان و زنانشان اسیر شوند. به روایت ابن اسحاق

۱- طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۶۷ و تاریخ سیاسی اسلام ص ۱۳۶ تا ص ۱۵۰، به شرح مفصل ماجرای یهودیان و اسلام پرداخته است.

۲- فتوح البلدان بلاذری، ص ۶-۳۴.

۳- ارشاد شیخ مفید ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۱ و تاریخ طبری، (ترجمه پاینده)، ج ۳، ص ۱۰۸۲-۱۰۹۳.

۴- سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۲۵۰-۲۴۸.



رسول خدا 6 فرمود: «لقد حکمت فیهم بحکم الله من فوق سبعة اربعة^۱» راستی درباره ایشان به حکم خدا از بالای هفت آسمان حکم کردی از این کلام رسول خدا 6 روشن می شود که حکم خداوند چنین بوده است که باید آنها کشته شوند.

در نتیجه می توان علل کشته شدن آنها را چنین بیان کرد:

۱- آنها براساس پیمانی که با پیامبر 6 بسته بودند از آن تخطی نموده و پیمان شکنی کردند و علاوه بر پیمان شکنی به پیامبر 6 خیانت نموده و از پشت به مسلمین خنجر می زدند. ۲- برخلاف همان پیمان که مفاد آن صلح و زندگی مسالمت آمیز و همدلی بود. آنها نه تنها زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان نداشتند، بلکه به شخص پیامبر 6 کاملاً بی حرمتی نموده و توهین می کردند و با لجاجت از پیامبر اکرم 6 سؤال می نمودند. تا آن حضرت از جوابشان باز مانده و شرمندۀ شود این اظهار دشمنی و تحقیر به شخص رسول خدا 6 ، آزار و اذیت به آن حضرت محسوب شده و جرمی غیر از کشته شدن نداشت.^۲

اما پیامبر اکرم 6 هیچ عکس العملی نشان نمی داد، بلکه با همه اینها با آنها مدارا نموده و هرگز به روی خود نمی آورد و تحمل می نمود چون سخت پایبند پیمان خویش بود تا حکم خدا در حقشان نازل شود.

۳- آنها برخلاف مفاد پیمان نه تنها از مدینه و سقوط آن دفاع نمی کردند، بلکه به تحریک مشرکان و دشمنان پیامبر 6 بر علیه مسلمان توطئه جنگ ریخته بودند.

۴- به پیامبر اکرم 6 ناسزا می گفتند که جرم ناسزاگویی به پیامبر 6 غیر از کشته شدن چیز دیگری نبود.^۳

۵- آنها پس از اینکه پیامبر 6 به محاصره آنها پردازد، تسلیم نشدند بلکه با مقاومت خود قصد جنگ با پیامبر 6 را داشتند و هرگز آتش کینه آنها نسبت به پیامبر 6 خاموشی

۱- سیره ابن اسحاق، ص ۱۴۹، و ارشاد شیخ مفید، ص ۱۱۱.

۲- براساس آیات قرآن کریم جزای آزار به پیامبر نه تنها در این دنیا سخت است بلکه در آخرت نیز عذابی دردناک دارد، توبه/۶، و صف/۵.

۳- صف ۵.



نداشت.^۱ چون پس از ناچاری و محاصره طولانی تسلیم شدند.
 ۶- چون این مراکز (مراکز یهودیان در اطراف مدینه) همیشه به عنوان مرکز فتنه بر علیه حکومت اسلامی بود و یهودیان بنی قریظه بنابر اظهار خود به هیچ قیمتی حاضر به اسلام آوردن نبودند و زندگی مسالمت آمیز را نیز عملاً با عهدشکنی قبول نکردند، لذا تنها چاره‌ای که برای مسلمین بود کشتن آنها بود.
 ۷- آنها بعد از تسلیم شدن خودشان به پیامبر پیشنهاد کردند که هر چه سعد بن معاذ حکم کند به آن راضی هستند، و پیامبر طبق نظر آنها حکمیت سعد را قبول کرد.
 ۸- سعد بن معاذ حکم به کشته شدن آنها و اسارت فرزندان و عیالشان داد.

۹- با این حکم سعد، نه تنها خود یهودیان مخالف نبودند بلکه هم‌پیمانان یهودیان نیز به این حکمیت راضی بوده و تسلیم شدند.

۱۰- در نهایت پیامبر اکرم ۶ حکم صادره از سوی سعد را تأیید نموده و فرمود حکم خداوند نیز همین بود که باید آنها کشته می‌شدند. لذا در مرحله اول خود یهودیان راضی به کشته شدن بودند و در مرحله دوم تمام انصار و مهاجرین و در نهایت خداوند نیز راضی بودند که آنها کشته شوند و پیامبر اکرم ۶ راضی به رضای حق بود ولی می‌خواست حکم براساس مجاری عادی آن اجراء شود. لذا از ابتدای حکمیت و داوری سعد را قبول نمود (حتی نظر قبیله اوس را نیز رعایت کرد تا بعداً هیچ اعتراضی نداشته باشند) حتی برخی از یهودیان که محکوم به کشته شدن بودند و مورد بخشش و عفو پیامبر ۶ واقع شدند، آنها نیز این بخشش را نپذیرفتند بلکه مرگ را ترجیح دادند به عفو و بخشش پیامبر ۶ و کشته شدند، آیاتی از سوره احزاب نیز این رفتار اسلامی را مورد تأیید قرار داده است.^۲ سیاق این آیات نشان می‌دهد که حکم خداوند چنین بوده است؛ «... و اورثکم ارضهم و دیرهم و اموالهم و ارضا لم تطئوها

۱- ارشاد شیخ مفید: این اخطب به پیامبر p می‌گوید: هرگز کینه و دشمنی من نسبت به تو از بین نمی‌رود.

۲- احزاب/۲۶ و ۲۷ «...فریقا تقتلون و تاسرون فریقاً...» ۲۶.



و کان الله على کل شیء قديراً^۱؛ خداوند شما را وارث زمین آنها (یهودیان بنی قریظه) نمود و دیار و اموال و دارائی آنها را در اختیار شما گذاشت و زمینی (قلعه‌هایی) را که در آن قدم نهاده بودید خداوند شما را صاحب آن زمین نمود و خداوند بر هر چیزی قدرت دارد. پس حکم کشتن اسیران کاملاً مطابق با حکم خداوند بود چنانچه در این آیه خداوند مسئله ارث دادن به اموال یهودیان بنی قریظه به مسلمین را به خودش نسبت می‌دهد چون این قوم لجوج هرگز حاضر به اسلام آوردن حتی به زندگی مسالمت‌آمیز با پیامبر اکرم 6 و حکومت اسلامی نبودند لذا در حکم محارب بوده و قتل آنها کاملاً مشروع می‌باشد.

آیات ۵۶ تا ۵۸ سوره انفال و ۲۶ و ۲۷ سوره احزاب راجع به جنگ بنی قریظه است.



سيزدهم ذى القعدة: تزکيه

نکته‌ها:

۱. واژه تزکيه از ماده زکو [رشد و نمو] است و «تزکيه النفس، أى: تنميتها بالخيرات و البركات» [رشد و نمو نفس به وسيله کارهاي خير و برکات]^۱
۲. قرآن هدف پيامبران را تزکيه و پرورش نفوس ذکر کرده است. «بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»^۲
۳. فلاح و رستگاري تنها از آن کسی است که تزکيه نموده است و برای هيچ کلامی قرآن پيش از اين آيه سوگند ياد نکرده است (نه بار): «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»^۳
۴. بهشت پاداش تزکيه نفس است «جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى»^۴
۵. تزکيه نفس مخصوص عده‌ای خاص از مؤمنين نيست بلکه خداوند برای همه انسانها حتى فرعون سفارش به تزکيه نفسي می‌کند: «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ»^۵
۶. در تزکيه نفس فقط بايد از خداوند و رحمت بی‌انتهای او کمک گرفت «لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ»^۶
۷. یکی از موانع مهم تهذيب نفس، غفلت است کسی که همواره خدا را ناظر بر کارهای خود می‌داند از غفلت و گناه دوری می‌وزرد. «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ خداوند بر شما مراقبت دارد»^۷. امام علی ۷ می‌فرماید: «خدا رحمت کند انسانی را که همیشه پروردگارش را در نظر داشته باشد. از گناه کناره گیرد و باخواهش دل بجنگد و نفس سرکش خود را با تقوا و پرهیزکاری

۱- مفردات راغب مادة زکو.

۲- آل عمران ۳: ۱۶۴.

۳- شمس ۹۱: ۹.

۴- طه ۲۰: ۷۶.

۵- نازعات ۷۹: ۱۷ و ۱۸.

۶- نور ۲۴: ۲۱.

۷- نساء ۴: ۱.



مهار کند.^۱»

۸. کسی که به ارزش خود پی ببرد، از رذایل دوری خواهد کرد،
امام علی ۷ می‌فرماید: «هرکس نفس خود را گرامی بدارد،

شهوت‌ها برای او کوچک و بی ارزش خواهد بود»

۹. همان طور که در ورزش بدنی، تداوم و استمرار لازم است،
در ریاضت نفسانی نیز تداوم، شرط رسیدن به مقصد است.

امام علی ۷ می‌فرماید: «قَلِيلٌ مَدُومٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ
مَمْلُوءٍ مِنْهُ؛ عمل اندکی که پیوسته باشد، بهتر است از
بسیاری که تو را خسته و وامانده سازد».

۱۰. برای تهذیب نفس لازم است از اعمال روزانه حسابرسی
به عمل آید. امام صادق ۷ می‌فرماید: «ای مردم، پیش از آن
که شما را مورد محاسبه قرار دهند، خودتان به حساب خویش
رسیدگی کنید»^۲

۱- کافی، ج ۸، ص ۱۷۲

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹.



چهاردهم ذی القعدة: دعا (۱)؛ معجزه نیایش

مناسبت: نیمه ذی القعدة؛ شبی مبارک که در آن حاجت کسی بی پاسخ نخواهد ماند.

پیامبر اکرم 6 می فرماید: «أَنَّ فِي ذِي الْقَعْدَةِ لَيْلَةً مُبَارَكَةً وَهِيَ لَيْلَةُ خَمْسِ عَشْرَةِ يَنْظُرُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَى عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ لِلْعَامِلِ فِيهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ أَجْرُ مِائَةِ سَائِحٍ لَمْ يَعْصِ اللَّهَ طُرْفَةَ عَيْنٍ.^۲»

نکته‌ها:

۱. دعا سخن گفتن مستقیم عبد است با خداوند عالمیان و مگر عبادت به جز ارتباط با خداست «أَلَا تَرَى أَنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ»^۳. و مگر عبادت را مغز و روحی است جز اتصال به وجود بی نهایت مبدأ هستی؟ «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^۴

۲. هر نوع دعا و درخواست از خداوند، پسندیده است و به فرموده قرآن کریم از سوی خداوند، بی پاسخ نخواهد ماند. «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۵؛ [مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را]. و «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ، أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» [و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال می کنند، من نزدیکم؛ دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم].

۳. در حدیث قدسی می خوانیم: «هر کس با آگاهی از این نکته که سود و زیان به دست من است، از من چیزی بخواهد، اجابتش می گویم»^۶.

۴. پیامبر اکرم 6 می فرماید: «برترین عبادت ها، دعاست، هرگاه خداوند به بنده ای، اذن و توفیق دعا دهد، در رحمت را به روی او بگشاید.

۱- سائح: روزه دار.

۲- اقبال الاعمال، ج ۲ ص ۳۲.

۳- بحار الانوار، ج ۹۰ ص ۳۰۰.

۴- بحار الانوار، ج ۹۰ ص ۳۰۰.

۵- غافر: ۶۰

۶- بقره ۲: ۱۸۶

۷- عدة الداعی: ۱۳۱.



۵. از جمله آثار دعا و نیایش، به دست آوردن ارزش و کسب منزلت، نزد پروردگار عالم خواهد بود امام صادق ۷ نیز می‌فرماید: «نزد خدای متعال، مقام و منزلتی است که کسی به آن مقام نمی‌رسد مگر به درخواست و دعا».

۶. امام باقر ۷ می‌فرماید: «نزد خداوند هیچ کس مبعوض تر و منفورتر نیست از کسی که از دعا به درگاه او، تکبر می‌ورزند و از مواهب او، تقاضا نمی‌کنند»^۱.

۷. سحرگاهان بهترین وقت برای دعاست امام باقر ۷ می‌فرماید: «بر شما باد که هنگام سحر تا طلوع خورشید را برای دعا انتخاب کنید زیرا در این ساعات، درهای آسمان، گشوده می‌شود و روزی بندگان تقسیم می‌گردد و خواسته‌های بزرگ به اجابت می‌رسد»^۲.

۸. امام خمینی قدس سره آن فقیه سترگ و عارف بی بدیل عصر ما در آغاز وصیت‌نامه سیاسی الهی خویش این چنین افتخارات خویش را به رخ عالمیان می‌کشد: «ما مقتخریم که ادعیه حیات بخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند از ائمه معصومین : ما است. ما به «مناجات شعبانیه» امان و «دعای عرفات» حسین بن علی ۷ و «صحیفه سجادیه» این زبور آل محمد : و «صحیفه فاطمیه» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است»^۳.

۱- الکافی. ۲. ۴۶۶ باب فضل الدعاء...

۲- الکافی. ۲، ۴۷۰

۳- صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۳۹۷.



پانزدهم ذی القعدة: دعا (۲)؛ دلایل عدم استجابت دعا

مناسبت: شبی مبارک که در آن حاجت کسی بی پاسخ نخواهد ماند.

نکته‌ها:

۱. استجابت دعا منوط به توجه خداوند است «أَوْفُوا بَعْهْدِي أَوْفِ بَعْهْدِكُمْ» و خدا نیگاه رحمت خود را متوجه متقین می‌سازد: «أَتَمَّا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۱ در مقابل، یکی از موانع مهم استجابت دعا ارتکاب گناه است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۲ و «اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»^۳

۲. معرفت نسبت به خدا از مهمترین شروط استجابت دعاست: امام صادق ۷ در پاسخ به گروهی که از ایشان پرسیدند: چرا ما دعا می‌کنیم اما مستجاب نمی‌شود؟ - فرمود: «لَا تَكُم تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ» [چون کسی را می‌خوانید که نمی‌شناسیدش]^۴.

۳. هنگامی که مفسد اجتماعی، جامعه‌ای را فراگرفت، نعمت و رحمت از آن جامعه رخت بر می‌بندد و بلا و عذاب جایگزین آن می‌شود «فَكَفَّرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ»^۵. و لذا در این زمان دعا مستجاب نمی‌شود^۶.

۴. امام علی ۷: «کرم خدای سبحان حکمتش را نقض نمی‌کند؛ از این روست که هر دعایی مستجاب نمی‌شود.»
۵. در حدیث قدسی آمده است: «از تو دعا کردن است و از من اجابت نمودن؛ هیچ دعایی از من پوشیده و در حجاب نماند، مگر دعای حرام خوار»^۷

۶. ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی تفاوتی افراد مؤمن جامعه، نسبت به گناه افراد خطاکار، نه تنها باعث می‌شود که دعای هیچ کدام مستجاب نشود، سبب تسلط افراد شرور بر

۱- بقره: ۴۰۲

۲- المائدة: ۵: ۲۷.

۳- بقره: ۱۹۰.

۴- مائدة: ۵: ۶۴

۵- بحار الأنوار: ج ۹۳ ص ۳۶۸ ح ۴.

۶- النحل: ۱۱۲.

۷- غرر الحکم: ۳۴۷۸

۸- بحار الأنوار: ج ۹۳ ص ۳۷۳.



سر آنان نیز می‌شود.^۱

۷. گاهی وجود یک انسان گناهکار مانع استجاب دعا یا یک جمعیت می‌شود. حضرت موسی مردم را برای دعا یا باران در بیابان جمع کرده بود که به حضرت خطاب شد هرچه دعا کنید فایده ندارد. زیرا یک نفر که اهل نَمّامی و سخن‌چینی است در میان جمعیت است و تا وقتی مردم را ترک نکند، دعا مستجاب نمی‌شود.^۲

۸. رسول خدا 6 می‌فرماید: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ دَعَاءَ مَنْ قَلْبٍ غَافِلٍ»^۳.

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴

۲- بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۶۸

۳- أعلام الدین : ۲۹۵ .



شانزدهم ذی القعدة: ارزش علم و عالم

مناسبت: وفات حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم
حائری موسس حوزه علمیه قم^۱.

نکته‌ها:

۱. اهمیت و عظمت مقام علم در حدی است که خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۲
۲. در دین مقدس اسلام همواره بر تکریم علما و دانشمندان دین تأکید شده است. چنانکه امام موسی کاظم ۷ فرمودند: «عَظُمَ الْعَالِمُ لِعِلْمِهِ وَدَغَّ مُنَازَعَتُهُ» عالم را به جهت علمش تعظیم و احترام کن و با او منازعه منما^۳.
۳. امام باقر ۷ فرمود: «إِذَا جَلَسْتَ إِلَى عَالِمٍ فَكُنْ عَلَى أَنْ تَسْمَعَ أَحْرَصَ مِنْكَ عَلَى أَنْ تَقُولَ» هرگاه با دانشمندی همنشین شدی، سعی کن بیشتر از آنکه سخن بگویی، گوش کنی.

۴. رسول اکرم ۶ می‌فرمایند: برتری عالم بر عابد همچون برتری ماه شب چهاردهم بر دیگر ستارگان است^۴.

۵. پیامبر اکرم ۶ فرمودند: از جبرئیل پرسیدم: آیا عالمان گرمی ترند یا شهیدان؟ گفت: یک عالم نزد خدا از هزار شهید گرمی‌تر است، زیرا پیروی عالمان از پیامبران است و پیروی شهیدان از عالمان^۵.

۶. رسول خدا ۶ می‌فرمایند: هر کس عالمی را گرمی بدارد مرا گرمی داشته است و هر کس مرا گرمی بدارد خدا را گرمی داشته و هر کس خدا را گرمی بدارد پایان کارش بهشت است^۶.

۷. امام علی ۷ می‌فرمایند: ای مؤمن! این دانش و ادب جان بهای توست، پس در فراگرفتن آن دو کوشا باش که هر چه بر دانش و ادب افزوده شود، قدر و ارزش فزونی گیرد^۷.

۸. پیامبر اکرم ۶ می‌فرمایند: دانش را گنجینه‌هایی است و کلیدهای آن پرسش است؛ پس، خدایتان رحمت کند، پرسید، که با این کار چهار نفر اجر می‌یابند: پرسشگر، پاسخگو، شنونده و دوستدار آنان.

۱- سید حسن میر حافظ؛ تقویم الواعظین؛ ۱۸۷

۲- زمر ۹

۳- بحار الأنوار ج ۷۸ ص ۳۰۹

۴- بحار الأنوار ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۱

۵- مفاتیح الحیات ص ۳۵۰

۶- ارشاد القلوب ص ۱۶۴

۷- مفاتیح الحیات ص ۳۵۰

۸- مشکاة الأنوار؛ ۱۳۵



هفدهم ذی القعدة: عذاب الهی

مناسبت: نزول عذاب بر اصحاب الرس^۱

نکته‌ها:

۱. عذاب های الهی با اهداف مختلف صورت می گیرد؛ برخی از عذاب ها برای تنبیه و برخی دیگر امتحانی و برخی دیگر عذاب های کیفری است و حتی گاهی عذاب های الهی به شکل نعمت نیز خودنمایی می کند.

۲. بیماری برای مؤمن، تطهیر و رحمت، و برای کافر، عذاب و لعنت است. بیماری، همدم مؤمن می ماند، تا هنگامی که هیچ گناهی بر وی نباشد^۲.

۳. صفاتی که در قرآن برای عذاب بیان شده اند، گوناگون است، که هر کدام اشاره به شدت و سختی عذاب دارد. گاهی دردناک (عذاب الیم) و گاهی توهین آمیز (عذاب مهین) و گاهی پر سر و صدا (عذاب عظیم) و نیز گاهی اثر آن در وجود انسان عمیق است (عذاب شدید).

۴. کوتاهی عمر عذابی است که به خاطر گناه و معصیت می باشد. در حدیثی از امام صادق ۷ آمده است: «کسانی که به کیفر گناهان می میرند، بیشتر از کسانی هستند که به عمر طبیعی از دنیا می روند»^۳.

۵. بزرگترین عذابی که به جهت گناه بر انسان نازل می شود، مهر بر قلب است. کسی که بر قلب او مهر خورده، دریچه روح او به همه حقایق و درک آن بسته می شود. چشم دارد، ولی نمی بیند، گوش دارد، ولی نمی شنود و چنین فردی هرگز هدایت نمی شود^۴.

۶. افرادی که غیر قابل اصلاح و هدایت باشد به حال خود رها می شوند اما عذاب خوارکننده ای در انتظار آنهاست. خداوند متعال می فرماید: «تصور نکنند اگر به آنها مهلت می دهیم به سود آنها است، ما به آنان مهلت می دهیم که بر گناهان خود بیفزایند مستحق حداکثر مجازات شوند»^۵.

۱- سید حسن میر حافظ: تقویم الواعظین: ۱۸۷

۲- ثواب الأعمال، ص ۲۲۹، ج ۱

۳- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۶۳

۴- مطلقین: ۱۵ - ۱۲.

۵- آل عمران: ۱۷۸.



هجدهم ذی القعدة: وحدت اسلامی

مناسبت: وفات حضرت آیت الله حاج شیخ محمد حسین

آل کاشف الغطاء ۳

نکته ها :

۱. قرآن کریم به مسأله وحدت اسلامی اهتمام خاص دارد. اتحاد را نعمت و اختلاف را نوعی از عذاب الهی می داند. آیه «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» همه مسلمانان را دعوت به اتحاد و دوری از اختلاف می کند.

۲. بدترین پیامد شوم اختلاف و تفرقه این است که هر لحظه آتش جنگ و درگیری را شعله ور می کند: «كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا»^۱ شما در اثر اختلاف بر لبه گودالی از آتش بودید پس خدا شما را از آن نجات بخشید.

۳. در اثر اختلاف جامعه قدرتش را از دست می دهد. «لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۲

۴. رمز اتحاد چنگ زدن به کلام خدا و سنت رسول الله 6 است. چنانچه امام علی 7 در نامه به مالک اشتر می نویسد: ارجاع دادن به خداوند، همان عمل کردن به محکومات کتاب اوست و ارجاع دادن به رسول خدا 6 همان عمل کردن به سنت اوست که مایه اتحاد و همبستگی است و از پراکندگی و جدایی جلوگیری می کند.

۵. استاد شهید مطهری: «مفهوم اتحاد اسلامی این نیست که مسلمانان از اصول اعتقادی یا غیراعتقادی خود صرف نظر کنند ... آنچه نباید صورت بگیرد کارهایی است که احساسات، تعصبات و کینه های مخالف را برانگیزد»^۳.

۶. آیت الله العظمی وحید خراسانی در پاسخ به استفتائی درباره برخورد با کسانی از اهل سنت که شیعیان را کافر می دانند چنین می فرماید: «هر کس شهادت به وحدانیت خداوند متعال و رسالت خاتم الانبیاء 6 بدهد، مسلمان است و جان و عرض و مال او مانند جان و عرض و مال کسی

۱- آل عمران ۳: ۱۰۳

۲- آل عمران/ ۱۰۳

۳- انفال/ ۴۶

۴- مرتضی مطهری، امامت و رهبری ص ۱۶-۲۱



که پیرو مذهب جعفری است محترم است و وظیفه شرعی شما آن است که با گوینده شهادتین هر چند شما را کافر بدانند به حسن معاشرت رفتار کنید و اگر آنها به ناحق با شما رفتار کردند شما از صراط مستقیم و حق و عدل منحرف نشوید اگر کسی از آنها مریض شد به عیادت او بروید و اگر از دنیا رفت به تشییع جنازه او حاضر شوید و اگر حاجتی به شما داشت حاجت او را برآورید و به حکم خدا تسلیم باشید که فرمود: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ^۱»

۱- مائده ۵: ۸ و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است،



نوزدهم ذی القعدة: داستان حضرت ابراهیم و اسحاق؛ نکته‌ها و عبرت‌ها

مناسبت: ولادت حضرت اسحاق نبی^۱

نکته‌ها:

۱. عبرت واژه‌ای است که در قلمرو تربیت کاربرد گسترده‌ای دارد قرآن هدف از بیان داستانها و وقایع تاریخی را عبرت‌پذیری می‌داند: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»^۲ در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

۲. امام علی 7 می‌فرمایند: از حال و روز فرزندان اسماعیل و پسران اسحاق و پسران اسرائیل پند گیرید؛ زیرا که سرگذشتها سخت همسانند و داستانها [ی گذشتگان] همانندی بس نزدیکی دارند!^۳

۳. بصیرت و یاد آخرت مهمترین ویژگی این پیامبران: «وَإِذْ كُنَّا عَبْدًا لِّإِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذَكَرَى الدَّارَ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ»^۴ «و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب، آن مردان قدرتمند و با بصیرت را یاد کن. ما آنان را به خصلتی ویژه گردانیدیم که یاد سرای آخرت، بود. آنان در نزد ما برگزیدگان و نیکانند.

۴. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ» و اسحاق و یعقوب 8 را به او (ابراهیم) بخشیدیم. و بلافاصله می‌فرماید: «وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا» و پاداشش را در دنیا دادیم. بنابراین فرزند صالح پاداش اعمال خیر انسان و موهبتی از جانب خداوند است.

۵. از آنجا که قدرت خداوند محدود به اسباب عادی نیست، نباید هرگز از الطاف او ناامید بود. خداوند در قرآن به ساره همسر حضرت ابراهیم 7 که نازا بود و نسبت به فرزند دار شدن مأیوس، بشارت فرزند می‌دهد «فَبَشِّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ»^۵

عز این هدیه الهی به این سبب بود که حضرت ابراهیم 7 از غیر خدا دوری گزید: «فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ»^۶

۱- سید حسن میر حافظ : تقویم الواعظین : ۱۸۷

۲- سوره یوسف، آیه ۱۱۱

۳- نهج البلاغة : الخطبة ۱۱۷.

۴- ص ۴۵-۴۸

۵- هود/ ۷۱

۶- مریم ۴۹



بیستم ذی القعدة: نماز؛ انس با خدا (۱) نکته‌ها:

۱. امیرالمؤمنین ۷ می‌فرمایند: «بدان که تمامی اعمالش تابع نماز توسل^۱» پس کسی که به دنبال اصلاح اعمالش هست قبل از هر کاری باید نمازش را تصحیح کند.

۲. پیامبر اعظم ۶ می‌فرمایند: «إِنَّ عُمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ وَهِيَ أَوَّلُ مَا يُنْظَرُ فِيهِ مِنْ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ فَإِنْ صَحَّتْ نَظَرَ فِي عَمَلِهِ وَإِنْ لَمْ تَصَحَّ لَمْ يُنْظَرْ فِي بَقِيَةِ عَمَلِهِ^۲» نماز ستون دین است پس اگر نماز نباشد دین نیست (همانطور که اگر ستون خیمه‌ای را برداریم دیگر خیمه‌ای باقی نمی‌ماند) و اگر دین نباشد اعمال بی‌ارزش است لذا اگر کسی نماز نداشته باشد سایر اعمال او ارزش حسابرسی ندارند.

۳. نماز معجونی است که هرآنچه برای رسیدن به بالاترین درجه قرب لازم است را داراست زیرا نماز تسبیح و لاله الا الله گفتن و اقرار به وحدانیت پروردگار و تکبیر و تمجید و تقدیس و سخن گفتن با خدا و دعاست^۳.

۴. حضرت علی ۷ در مورد نماز می‌فرمایند: «اگر نمازگزار بداند تا چه حد مشمول رحمت الهی است هرگز سر خود را از سجده بر نخواهد داشت^۴».

۵. نماز، از آیین‌های دین است و رضای پروردگار، در آن است. و آن راه پیامبران است. برای نمازگزار، محبت فرشتگان، هدایت، ایمان، نور معرفت و برکت در روزی است^۵.

۶. پیامبر اکرم ۶ می‌فرمایند: «إِنَّمَا يَكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا» فقط آن مقدار از نماز که از روی توجه و

۱- وسائل الشیعة ج: ۴ ص: ۱۶۱

۲- تهذیب الأحکام ج: ۲ ص: ۲۳۷

۳- خصال، ج: ۲، ص: ۵۲۲

۴- غرر الحکم، ج: ۵، ص: ۱۱۶، ح: ۷۵۹۲

۵- خصال، ص: ۵۲۲، ح: ۱۱

۶- بحار الأنوار ج: ۸۱ ص: ۲۴۹



تعقل خوانده شده باشد قبول می‌شود.

۷. کسی که محافظت و مداومت بر نماز جماعت کند، مانند برق سریع و درخشان همراه نخستین گروه بهشتیان از روی صراط می‌گذرد.^۱

۸. یکی از یاران امام صادق ۷ به نام ابان بن تغلب از ایشان پرسید: «چرا امام سجاد ۷ در نماز، رنگ چهره مبارکشان تغییر می‌کرد؟» امام ۷ پاسخ داد: «وَاللَّهِ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ كَانَ يَعْرِفُ الَّذِي يَقُومُ بَيْنَ يَدَيْهِ^۲» چون او می‌دانست در مقابل چه کسی ایستاده است.

۱- ثواب الاعمال، ص ۳۴۳

۲- بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۶۶



بیست و یکم ذی القعدة : نماز؛ انس با خدا (۲)

نکته‌ها :

۱. امام رضا 7 می‌فرمایند: نماز می‌خوانیم زیرا ۱- نماز اقرار به ربوبیت و یگانگی خداوند است؛ ۲- ایستادن در مقابل او با حالت خاکساری و نیازمندی و خضوع؛ ۳- اعتراف به گناه و درخواست عفو از آن است؛ ۴- در نماز هر روز به خاطر تعظیم خداوند صورت خود را به خاک می‌گذاریم؛ ۵- نماز نفس و قلب انسان را اصلاح می‌کند، ۶- قلب غافلین را متوجه خود نموده؛ ۷- قلب متکبرین را خاشع می‌سازد؛ ۸- انسان را به حرکت وادی دارد تا به دنبال زیادی دین و دنیا برود؛ ۹- نماز موجب می‌شود تا پیوسته به یاد خدا باشیم؛ ۱۰- بنده پروردگار و خالق خود را فراموش نکند که به طغیان او منتهی گردد؛ ۱۱- این یاد پروردگار گناه را از او دور می‌کند تا قلب او سالم بماند.

۲. پیامبر اعظم 6 می‌فرمایند: «هر که پشت سر مسلمانی غیبت کند تا چهل شبانه روز نماز و روزه او قبول نشود تا اینکه آن شخص از او راضی شود»^۱.

۳. امام صادق 7 می‌فرمایند: «إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا»^۲.

۴. امام صادق 7 می‌فرمایند: «نماز انسان عطر زده، بر هفتاد نمازی که بدون عطر بخواند برتری دارد»^۳.

۵. پیامبر اعظم 6 می‌فرمایند: «نماز جماعت بیست و پنج درجه از نماز فردای برتر است»^۴.

۶. امام صادق 7 می‌فرمایند: «هر کس با اذان و اقامه به نماز بایستد دو صف از فرشتگان و هر کس با اقامه به نماز بایستد یک صف از ملائکه پشت سر او نماز می‌خوانند»^۵.

۷. از امام صادق 7 درباره آیه سی و یک سوره اعراف «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۶ سؤال کردند. فرمود: «منظور شانه زدن قبل از تمام نمازهای واجب و مستحب است»^۷.

۸. پیامبر اعظم 6 می‌فرمایند: «نمازی که برای آن مسواک زده شود از هفتاد و پنج نماز بهتر است»^۸.

۱- وسائل الشیعة ج ۴ ص ۸

۲- بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۲۵۹

۳- کافی ج ۳ ص ۲۷۴

۴- کافی ج ۶ ص ۵۱۱

۵- بحار الأنوار ج ۸۸ ص ۱۱۰

۶- بحار الأنوار ج ۸۴ ص ۱۴۷

۷- سوره اعراف آیه ۳۱

۸- بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۳۲۹

۹- بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۳۳۰



بیست و دوم ذی القعدة: آداب زیارت (۱)؛ آداب پیش از تشریف

مناسبت: ایام زیارتی امام رضا 7

خلوص نیت

سید اهل مراقبه، جناب سید بن طاووس، در کتاب عظیم الشان اقبال الأعمال می‌فرماید:

«و از اهمّ مهمّات، اخلاص زائران در زیارت و نیز پاکسازی نیت‌هاست و این که زیارت فقط برای اجرای امر خداوند جلّ جلاله باشد، پس عبادت برای خداوند جلّ جلاله به واسطه زیارت و طاعت برای خداوند در موافقت با حق تعالی در بزرگداشت زیارت است و باید چنان باشد که هرگاه با کثرت زائران زیارت کرد، گویا بدون تمامی مردم - به تنهایی - زیارت کرده است پس دیده و خاطرش به غیر ربّ العالمین تعلّی نداشته باشد»^۱.

انجام زیارت با مال حلال

زائر بارگاه دوست باید که هزینه سفر را از مال حلال تهیه نموده و هرگونه حقّ الناس و از جمله خمس و زکات اموال را بپردازد. زیرا که با لقمه حرام نه نمازی قبول و نه زیارت پذیرفته و نه دعائی مستجاب می‌گردد.

حالات طلبیدن از دوستان و آشنایان

هر کس که می‌خواهد امام معصوم 7 او را بطلبد و به او اجازه شرفیابی دهد، قبل از حرکت از همه کسانی که از جانب او احتمالاً اذیت و آزاری به وی رسیده‌است و یا آنها از وی کدورتی در دل دارند، حالات بطلبد.

علی بن یقطين که از اصحاب خاص امام کاظم 7 است در سفر حج به خدمت ایشان رسید. امام 7 از ملاقات با وی سر باز زدند و به او گفتند چون قلب ابراهیم جمّال (یکی از شیعیان حضرت) از دست تو شکسته است زیارت و اعمال تو قبول نخواهد شد. علی بن یقطين ناچار به سراغ ابراهیم جمّال آمد و با تواضع بی‌نظیر با او ملاقات کرد و از او حالات طلبید.

۱- اقبال الأعمال، ج ۳، ص ۳۴۰، باب زیارت امام حسین علیه‌السلام در نیمه شعبان



پس از آن بود که امام او را به حضور پذیرفت و بشارت قبولی اعمالش را به او داد.^۱

روزه قبل از سفر

در آداب پیش از سفر زیارت آمده است:

هنگامی که خواستی به سوی بارگاه امام حرکت کنی، روز چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه را روزه بگیر^۲، وقتی شب جمعه شد، نماز شب بخوان، پس به اطراف آسمان نگاه کن و قبل از مغرب آن شب، غسل کن، سپس با حال طهارت بخواب^۳.

غسل زیارت

کسی که از شهر خود برای زیارت به نجف، کربلا، مشهد و ... می‌رود شایسته است قبل از حرکت غسل نماید و وقتی به مقصد رسید نیز به حمام رفته، بدن خویش را به خوبی بشوید و سپس غسل نماید و آنگاه به زیارت رود^۴. برای هریک از این دو غسل آداب و ادعیه‌ای وارد شده است^۵ اما در اصطلاح فقهی تنها به غسل دوم، غسل زیارت گفته می‌شود^۶.

در خصوص زیارت امام حسین ۷ سفارش شده که زائر در آب فرات غسل نماید.

خضوع و خشوع در حرکت به سمت حرم

زائرین شایسته است از منزل خود (یا محلّ اسکان) تا حرم مطهر اگر راه دور نیست، حتی الامکان پیاده بروند، بلکه اگر راه هم دور است ولی توان بدنی و حال روحی ایشان اجازه می‌دهد و وقت هم دارند پیاده بروند^۷ و همچنین در راه

۱- بحار الأنوار، ج ۴۸، ص: ۸۵

۲- کامل الزیارات، باب ۷۹، حدیث ۲۳. این عمل به ویژه برای زیارت امام حسین سفارش بیشتری شده است.

۳- مؤمن شایسته است همیشه و به ویژه در موقع خواب طهارت داشته باشد و معنای طهارت این است که غسلی بر گردن وی نبوده و وضو هم گرفته باشد. امام هادی^ع می‌فرماید: «ما اهل بیت هنگام خوابمان ده ویژگی داریم: اول طهارت، ...» (فلاح السائل، ص ۴۸۵)

۴- العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الحج، فی آداب السفر، ص ۴۱۱ و سراج الشیعه فی آداب الشریعه، ص ۲۵۵

۵- رک: کامل الزیارات باب ۷۹.

۶- به فتوای بسیاری از مراجع، این غسل مانند غسل جمعه انسان را از وضو گرفتن برای نماز بی‌نیاز می‌سازد.

۷- کامل الزیارات، باب ۴۹، ص ۲۵۴ و ۲۵۵، حدیث ۴: هر که با پای پیاده به سوی قبر امام حسین (ع) برود، خداوند به هر گامی، هزار حسنه برایش می‌نویسد و هزار گناه از او محو می‌کند و هزار درجه او را بالا می‌برد، پس هنگامی که به فرات رسیدی غسل کن و کفش‌های خود را از پا بیرون کن و با پای برهنه حرکت کن و بسان بنده‌ای ذلیل راه برو. همچنین در الکافی، ج ۴، ص ۵۷۶.



با وقار و خضوع و خشوع حرکت کنند و آهسته و با گام‌های کوچک قدم بر دارند و با طمأنینه به حرم روند تا اعماق وجودشان با توجه به فضای قدس و نورانی الهی عجین شود: «وَيَلْزُمُكَ التَّوْقِيرُ»^۱

[در مسیر زیارت] بر تو باد با وقار قدم زدن.

مراقبه و دوری از گناه

به طور کلی مراقبه در همه ابعاد جسمی و روحی بر زائرین لازم است به ویژه حفظ نگاه^۲، که زائرین، هم باید چشم خود را از نگاه به محرمات حفظ کنند و هم باید چشم خود را از دیدن امور بیهوده و از آنچه خلاف توجّه قلبی می‌باشد، حفظ نمایند. امام صادق ۷ می‌فرماید:

«نگاه [حرام] تیری از تیرهای مسموم ابلیس است و چه بسا نگاه کوتاهی که حسرتی طولانی در پی دارد»^۳.
نیز رسول خدا ۷ فرمودند:

«نگاه حرام تیری از تیرهای مسموم ابلیس است، پس هر کس آن را از خوف خداوند ترک کند، خداوند ایمانی به او عطا کند که شیرینی آن را در قلبش می‌یابد»^۴.

کم‌گویی و دوری از مزاح و شوخی

زائرین شایسته است در مدّت زیارت از هرچه مربوط به دنیاست، کناره‌گیری کنند. مثلاً از گفتگو دربارهٔ مادیات حذر نمایند. زیرا که آنان در بهشتند و باید همانند بهشتیان از هرچه بهشتی نیست، بگسلند و لحظات چند سبکبالانه پرواز کنند.

همچنین از هر عملی که تمرکز آنها را کاسته و مشغولیت ذهنی به همراه دارد پرهیزند به ویژه اینکه کم سخن بگویند مگر این که خیر باشد^۵ و نیز از مزاح و شوخی دوری نمایند^۶.

۱- کامل الزیارات، باب ۴۸، حدیث ۱.

۲- کامل الزیارات، باب ۴۸، حدیث ۱.

۳- کافی، ج ۵ ص ۵۵۹.

۴- بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۸.

۵- کامل الزیارات، باب ۴۸، حدیث ۱، ص ۲۵۱.

۶- کامل الزیارات، باب ۷۹، ص ۳۹۵.



ذکر خداوند بر زبان داشتن

چه زیباست که زائرین در مسیر راه بسیار تهلیل، تکبیر، تحمید و تسبیح^۱ بگویند و همچنین بسیار بر پیامبر خدا 6 صلوات بفرستند^۲. تا خداوند بر قلب وی آرامش و سکینه نازل نماید: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ^۳؛ اوست که آرامش را در دل‌های مؤمنان جای داد ...

همچنین سوره حمد، فلق، ناس، توحید، قدر و آیه الکرسی و سوره یس و آیات آخر (۲۱ به بعد) سوره مبارکه حشر را بخواند^۴.

یاری نمودن دیگر زائران

مرحوم محدث قمی رحمه الله در مفاتیح الجنان، در ضمن آداب مخصوص زیارت امام حسین 7 می نویسد:

«آنکه اگر در بین راه زوار پیاده دید که وامانده و خسته شده و از او استعانتی خواست، تا ممکن شود در کار او اهتمام نموده، و او را به منزل برساند، و مبادا به او استخفاف و بی‌اعتنایی نماید. مرحوم ثقة الاسلام کلینی نیز روایت بسیار پندآموزی را در این زمینه از ابوهارون عبدی نقل کرده که:

من در خدمت امام صادق 7 بودم که به چند تن فرمود: چرا شما ما را سبک می‌شمارید؟ مردی خراسانی برخاست و گفت: به خدا پناه می‌بریم از اینکه به تو یا چیزی از اوامر تو بی‌توجه باشیم و آن را سبک انگاریم.

امام 7 فرمود: آری تو خود یکی از کسانی هستی که مرا سبک می‌شماری. او گفت: بخدا پناه می‌برم از اینکه شما را سبک بشمارم.

امام 7 فرمود: وای بر تو! آیا نشنیدی فلانی وقتی که ما نزدیک جحفه بودیم به تو می‌گفت: مرا به مسافت یک میل سوار کن که بخدا وامانده‌ام؟ و به خدا سوگند تو به او نگاه هم نکردی و هیچ پاسخی بدو ندادی و او را سبک شمردی و هر کس مؤمنی را سبک شمرد ما را سبک شمرده است و احترام خداوند را تباه ساخته است^۵.

۱- تهلیل یعنی گفتن (لا اله الا الله). تکبیر یعنی گفتن (الله اکبر)، تحمید یعنی گفتن (الحمد لله) و تسبیح یعنی گفتن (سبحان الله).

۲- مناسک زایر (آیت الله العظمی شبیری زنجانی) ص ۳۹۴.

۳- فتح: ۴

۴- کامل الزیارات، باب ۷۹، ص ۳۹۴ و ۳۹۵

۵- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۸، ص: ۱۰۳



دوری از غذای لذیذ و شیرینی

محمد بن جعفر مشهدی در کتاب «المزار الکبیر» که از قدیمی‌ترین منابع آداب زیارت است می‌گوید: «از لهُو و لعب کناره گیر و از غذا و نوشیدنی لذیذ پرهیز»^۱.

همچنین در خصوص زیارت امام حسین 7 از خوردن گوشت نهی شده و به اکتفا به نان و شیر توصیه شده است^۲ و نیز تأکید شده زائرین از حمل سفره شیرینی و حلوا و مانند آنها دوری نمایند. چنانچه امام صادق 7 می‌فرمایند: «به من خبر رسیده است که گروهی، هنگامی که امام حسین 7 را زیارت می‌کنند به همراه خود سفره‌های غذا حمل می‌کنند که در آن شیرینی و حلوا و مانند آنهاست و اگر قبور دوستانشان را زیارت می‌کردند این چیزها را با خود حمل نمی‌کردند»^۳.

پوشیدن لباس پاکیزه

زائرین نکوست که جامه‌های پاک و تمیز و حتی الامکان نو و سفید بپوشند^۴. زیرا که رنگ‌های تیره موجب دوری ملائکه است و رنگ‌های روشن باعث جذب فرشتگان و لذاست که رنگ سفید در لباس همیشه مستحب است به ویژه در هنگام عبادتی چون نماز و زیارت.

محمد بن مسلم از امام صادق 7 درباره آداب زیارت چنین روایت کرده است:

يَلْزُمُكَ نَظَافَةُ الثِّيَابِ

[در زیارت معصومین :] بر تو باد پاکیزه بودن لباس‌هایت.

۱- المزار، محمد بن المشهدی، باب ۱۴، ص ۳۶۹.

۲- کامل الزیارات، باب ۷۹، ج ۲؟؟

۳- کامل الزیارات، باب ۴۷، ج ۱.

۴- الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، ج ۲، ص: ۲۲



بیست و سوم ذی القعدة: آداب زیارت (۲)؛ آداب هنگام تشرف

مناسبت: ایام زیارتی امام رضا 7

ادب حضور

فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى^۱

مهمترین ادب زیارت حفظ مستمر «ادب حضور» معصوم 7 در حال زیارت و در هنگام بودن در حرم است که انسان با تمام حقیقت وجود، خود را در محضر هستی بیکرانه امام 7 حاضر ببیند و لحظه‌ای و کمتر از لحظه‌ای از این حضور غافل نگردد. یعنی از همان لحظه اول که می‌خواهیم به حضور امام برسیم باید نیت زیارت کنیم یعنی می‌خواهیم با استمرار از نیروی خداافزای امام 7 زندگانی خدائی را طلب کنیم، غسل نماییم تا هر توجهی به غیر خدا را بشویم و از آن پاک شویم، به حرم وارد شویم و زیارتنامه بخوانیم اما در تمام این حالات تا پایان زیارت مهمترین مسأله ادب حضور است. حتما باید دریابیم در مقابل چه کسی هستیم و در خانه چه کسی قدم نهاده‌ایم.

در سراسر حضور باید تمام توجهمان به نفس مطهر امام 7 باشد. آن کانون جوشش خدایی، راه ارتباط با خدا را برای ما برگشوده و نورانی و نورانی‌تر کند.

خواندن اذن دخول

پیش از ورود به حرم‌های معصومین اذن دخول می‌خوانیم و از آنها اجازه ورود می‌طلبیم تا اذعان کنیم که آن بزرگواران را زندگان جاوید می‌دانیم که به فرمان خدا از حال و راز همه زائران خود آگاهند.

محتوای اذن دخول‌هایی که برای ورود به این حرم‌های مقدس وارد شده، بسیار آموزنده است و در بیداری قلب و حضور دل و توجه به موقعیت آن حرم شریف و معرفت صاحب آن و زدودن غبار غفلت از روح و جان بسیار مؤثر است.

زایر به هنگام ورود می‌گوید:

...وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ، يَرَوْنَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي...

۱- طه ۳۰: ۱۲

۲- مفاتیح الجنان به نقل از بلدالامین مرحوم کفمی، ص ۲۷۶



خداوند! من عقیده دارم که پیامبر تو و جانشینانش زنده‌اند و در نزد تو روزی داده می‌شوند و هم‌اکنون جای مرا می‌بینند و کلامم را می‌شنوند و سلامم را پاسخ می‌دهند.

در خصوص حرم مطهر ابی عبدالله 7 وارد شده: «پس اگر قلبت خاشع و چشمانت اشکبار شد، این علامت اذن و اجازه است، پس وارد شو.»

عتبه بوسی

بوسیدن درگاه حرم نشانه ارادت به صاحب بقعه و به شکرانه توفیق زیارت است و زائری که بر درگاه حرم بوسه می‌زند، عشق و تواضع خود را به صاحب آن نشان می‌دهد. بوسه زدن بر آستان حرم یکی از آداب زیارت است و به آن «عتبه بوسی» نیز می‌گویند. قداست آستانه به سبب جایگاه رفیع کسی است که در آن بقعه آرمیده‌است.

و نیز سجود برای خدا به عنوان شکر الهی بر این توفیق، مانعی ندارد. البته باید توجه داشت که بوسیدن زمین و درگاه به عنوان احترام و شکر، نباید به عنوان سجده بر امام 7 تلقی شود و بهانه‌ای به دست مخالفان افتد تا چنین وانمود کنند که شیعیان در پیشگاه امان خود سجده می‌کنند، درحالی که سجده بر غیر خدا جایز نیست! بوسیدن زمین به شکرانه توفیق الهی و بر نعمت زیارت، غیر از سجده به یک انسان است. صورت بر زمین نهادن یا بوسه بر آستان زدن، نهایت ادب و ارادت و محبت نسبت به یکی از اولیای مقرب درگاه خداست و هیچ ربطی به شرک و پرستش غیر خدا ندارد.

توبه و استغفار

حقیقت زیارت اتحاد با نفس امام است و از آنجا که امام 7 در افقی فراتر از ما قرار دارد، هر چه قدر بتوانیم بیشتر و بالاتر به پرواز درآییم، بهتر می‌توانیم با نفس امام یکی شده و از نور و انرژی بی‌نهایت ایشان استفاده کنیم.

اما قدم اول برای هر پروازی سبک‌بالی و زدودن غل و زنجیرهایی است که بر پای داریم. گناهان همان بار سنگین بر دوش ماست که سبب خانه‌نشینی ما گشته قَعَدَتْ بَیْ



أَغْلَالِي [غل و زنجیرهایم مرا خانه نشین کرده] و مانع اوج گیری ما می شود.

آری گام اول بلکه مهمترین گام در هر زیارتی توبه است؛ توبه از گناهانی که حجابی است بین ما و نفْس شریف امام. و چه مکانی برای توبه بهتر و شریف تر از حرم مطهر آن انوار قدسی؟^۱

آهسته سخن گفتن

ادب حضور در محضر حجت الهی اقتضا می کند که نه تنها انسان از سخنان غیر الهی که انسان را از یاد خدا غافل می کند بپرهیزد، بلکه هنگام عبادات، زیارات و اعمال مستحبی به آرامی و آهستگی و بدون بلند کردن صدا، مناسک و اعمال زیارت را انجام دهد.^۲

همچنین درباره سخن گفتن با پیامبر 6 در قرآن می خوانیم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»^۳؛

ای کسانی که ایمان آورده اید، صدایتان را از صدای پیامبر 6 بلندتر نکنید و همچنان که بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می گویند با آن حضرت به صدای بلند سخن مگویید. مبدا بی آن که بدانید اعمالتان تباه شود!

و می دانیم اولاً در اینگونه موارد فرقی میان پیامبر 6 و سایر معصومین : نیست و ثانیاً: وقتی قرآن شهیدان را أحياء عند ربهم يرزقون [زندگانی که نزد پروردگارشان روزی می خورند] می داند، پس امان معصومی که مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ^۴ [هیچ کدام از ما نیست مگر اینکه کشته و یا مسموم شده ایم.] یقیناً فرقی میان حیات و ممات ظاهریشان نیست و در محضر ایشان دیدن و ندیدنشان تفاوتی ندارد.

تکبیر گفتن

زائرین مستحب است وقتی مقابل ضریح مطهر امام قرار

۱- مفاتیح الجنان دعای شریف کمیل،

۲- ر ک: سراج الشیعه فی آداب الشریعه، ص ۲۴۱ و مفاتیح الجنان، آداب زیارت ادب بیست و چهارم.

۳- بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷.

۴- حجرات، آیه ۲

۵- بحار الأنوار ج ۲۷ ص ۲۱۷



گرفتند تکبیر گویند و در پایان، پس از اینکه حمد خداوند را از اینکه توفیق زیارت را نصیب آنان نموده است به جای آوردند با ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» بازگردند.^۱

امام باقر 7 درباره زیارت بارگاه مطهر ائمه هدی : چنین فرموده‌اند:

مَنْ كَبَّرَ بَيْنَ يَدَيِ الْإِمَامِ وَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ رِضْوَانَهُ الْأَكْبَرَ وَمَنْ كَتَبَ اللَّهُ رِضْوَانَهُ الْأَكْبَرَ يَجِبُ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ إِبْرَاهِيمَ وَمُحَمَّدٍ وَالْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْجَلَالِ

هرکس وقتی که در مقابل [بارگاه] امام ایستاده است تکبیر بگوید و سپس بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» خداوند در تقدیر وی رضوان اکبرش را خواهد نوشت. (خداوند در بهترین حالت از وی راضی خواهد بود و او را در بالاترین جای بهشت جای خواهد داد) و به تحقیق خداوند او را در بهشت با حضرت ابراهیم 7 و حضرت محمد 6 و سایر پیامبران : همنشین خواهد کرد.^۲

حضور در کنار قبر و بوسیدن ضریح

ادب دیگر در زیارت، که نشانه محبت و ارادت بیشتر است، نزدیک شدن به قبر، دست نهادن به آن، بوسیدن و ابراز اشتیاق است. داستان زیارت اربعین جابر بن عبدالله انصاری (ره) و عطیه عوفی گواه این زیارت عاشقانه است که دست روی قبر سیدالشهدا 7 نهاد و بر او درود و سلام داد.

در حدیث امام صادق 7 آمده است:

«صَلُّوا إِلَى جَانِبِ قَبْرِ النَّبِيِّ، وَأَنْ كَانَتْ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ تَبْلُغُهُ أَيْنَمَا كَانُوا».

کنار قبر پیامبر 6 بر او صلوات و درود بفرستید، هرچند درود مؤمنان هر جا که باشند به او می‌رسد.

مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان، دوازدهمین ادب از آداب زیارت را «رفتن به نزد ضریح مطهر به نحوی که خود را بتواند به آن بچسباند» می‌داند و در آنجا به این نکته

۱- مصباح المتهجد، ص ۷۳۱، التهذيب، ج ۶ ص ۷۰: المزار ابن المشهدي، ص ۳۹۷، مصباح الزائر، ص ۲۲۰.

۲- بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۱۲.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۵۶.



اشاره می‌کند که برخی می‌پندارند رعایت ادب نسبت به حریم امامت به آن است که زائر هرچه دورتر بایستد و به قبر و ضریح نزدیک نشود، آنگاه این را وهم و اشتباه می‌داند و تأکید می‌کند که نزدیک شدن به قبر و ضریح و بوسیدن آن یکی از آداب است. بوسیدن ضریح مطهر امام 7 نه تنها کراهتی ندارد بلکه در نزد ما شیعیان به عنوان یکی از مستحبات شمرده می‌شود^۱ زیرا که در پاره‌ای از روایات تعبیر «قَبْلَ جَوَانِبِ الْقَبْرِ» [اطراف قبر را ببوس] وارد شده^۲ و همچنین به تعبیر قَبْلِ الضَّرِيحِ [ضریح را ببوس] نیز در پاره‌ای از روایات تصریح شده است^۳ البته باید دانست که واژه ضریح در لغت فصیح عرب به معنای قبر و آرامگاه بوده^۴ و در طول زمان به معنای کنونی خود تغییر یافته است.

قرائت زیارات مأثور

زیارت‌های مأثور یعنی دعاهایی که از زبان معصوم 7 بیان می‌شود. دعای توسل، زیارت عاشورا، زیارت وارث، زیارت اربعین، جامعه کبیره، زیارت امین‌الله، زیارت امام رضا 7، زیارت رجیّه و بسیاری از زیارتنامه‌ها از ائمه اطهار : نقل شده و کلام امام است و دارای محتوای بسیار عالی و توحیدی می‌باشد. زائرین شایسته است از زیارت‌های غیرمعتبر و بی‌دلیل پرهیز کنند زیرا که در روایت است که عبدالرحیم قصیر می‌گوید وارد بر امام صادق 7 شدم و گفتم: «فدايت شوم! از پیش خود دعایی اختراع کرده‌ام.» حضرت فرمود:

دَعْنِي مِّنْ اخْتِرَاعِكَ! إِذَا نَزَلَ بِكَ أَمْرٌ فَافْزَعْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ وَصَلْ رَكَعَتَيْنِ تُهْدِيهِمَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ

اختراع خود را واگذار! و هر وقت حاجتی داشتی به رسول خدا 6 پناه ببر و دو رکعت نماز بخوان و آن را به حضرتش هدیه بده^۵، زائرین اگر حوصله و یا فرصت خواندن زیارات معروف را ندارند بنابر این روایت می‌توانند سلام کوتاهی دهند و سپس دو رکعت نماز بخوانند و آن را به صاحب قبر هدیه دهند و حاجت

۱- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۳۴ و ۱۳۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۶ همچنین: وسائل الشیعه: باب ۶ من أبواب المزارح ۲: ج ۱۴ ص ۳۴۲. بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۱۲۴.

۳- مستدرک الوسائل؛ ج ۱۰؛ ص ۲۲۳

۴- لسان العرب، ج ۲، ص: ۵۲۶

۵- کافی جلد ۳ ص ۴۷۶



خود را بخواهند.

نماز زیارت

خواندن نمازهای واجب و یا مستحبی در حرم‌های مطهر معصومین : نسبت به سایر اماکن فضیلت و ثواب بیشتری دارد، چنانکه امام باقر 7 فرمودند: نماز فریضه در کنار قبر ابی‌عبدالله 7 ثوابی معادل با حجّ دارد و نماز نافله معادل با عمره^۱. سید بن طاووس هم توصیه می‌کند اگر به زیارت امام حسین 7 مشرف شدی، تلاش و کوشش کن که از تو فوت نشود فریضه و نافله در حائر شریف حسینی که ثواب بسیار دارد^۲.

بسیاری از اهل دل و مجاوران اعتاب مقدسه، مقید بوده‌اند که هر سه وعده نماز خویش را در حرم‌های مطهر بخوانند. به‌خصوص در حرم سیدالشهدا 7 ، که هم نماز ثواب بیشتری دارد و هم دعا در زیر قبه حرم آن امام شهید، مستجاب است. جدای از نمازهای واجب و مستحب، در کنار مزار مطهر هریک از چهارده معصوم : سفارش شده‌است که نمازی را به جای آوریم و به روح مطهر آن معصوم 7 هدیه نماییم که به این نماز، «نماز زیارت» گفته می‌شود.

این نماز را باید پس از انجام زیارت و قرائت زیارت‌نامه‌ها و ادعیه وارد شده به جای آورد و اگر زیارت برای پیامبر 6 است نماز را در روضه مطهره و اگر در حرم یکی از ائمه است در بالای سر خواند شود^۳. همچنین نیکوست پس از نماز، زائر حاجات خود را از خداوند طلب نماید.

در زیارت برخی از اهل بیت : کیفیت خاصی برای نماز زیارت وارد شده است ولی به طور کلی برای نماز زیارت می‌توان دو رکعت نماز مانند نماز صبح به جای آورد که بهتر است در رکعت اول سورة «یاسین» و در رکعت دوم سورة «الرَّحْمَان» خوانده شود^۴.

امام‌های 7 فرمودند:

۱- مفاتیح الجنان: آداب زیارت امام حسین علیه‌السلام

۲- مفاتیح الجنان، آداب زیارت امام حسین علیه‌السلام.

۳- نکته مهمی که در مکان نماز زیارت باید رعایت شود: این است که نباید از قبر امام معصوم در خواندن نماز جلوتر بایستیم.

۴- مفاتیح الجنان، آداب زیارت، ادب هفدهم: نماز زیارت.



«مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَزُرْ قَبْرَ جَدِّي الرَّضَا
بَطُوسَ وَهُوَ عَلَى غُسْلٍ وَلْيَصِلْ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ وَلْيَسْأَلِ
اللَّهَ حَاجَتَهُ فِي قُنُوتِهِ، فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ مَا لَمْ يَسْأَلْ مَأْثَمًا أَوْ
قِطْعَةً رَحِمٍ...»

هر کس به درگاه خدا حاجتی دارد، قبر جدم حضرت رضا 7 را
در طوس زیارت کند، در حالی که غسل کرده باشد، بالای سر
آن حضرت 7 دو رکعت نماز بخواند و در قنوت نمازش حاجتش
را از خدا بخواهد، خداوند اجابت می‌کند، مگر اینکه خواسته‌ای
حرام داشته و یا قطع رحم (با خانواده‌اش قطع ارتباط) کرده
باشد.

دعا کردن

در آداب دعا کردن می‌خوانیم که دعا در برخی مکانها و زمانها
بیشتر و بهتر مستجاب می‌شود از جمله در کنار قبور مطهر اهل
بیت : به ویژه در زیر گنبد امام حسین 7 .

بنابراین از مهمترین آداب زیارت خواندن ادعیه و سخن گفتن
با خداست. در کتابهای ادعیه و زیارات، دعا‌های فراوانی نقل
شده است که برخی را باید بعد از زیارت معصومین : خواند
مثل دعا‌های پس از زیارت پیامبر، ائمه بقیع، امام حسین،
امیرالمؤمنین : در روز غدیر، زیارت امام رضا 7 و ... اما
خواندن سایر ادعیه مشروط به زیارت نمی‌باشد با این حال در
کنار بارگاه نورانی اهل بیت : که فضایی است معنوی و به
آسمان نزدیکتر، اتصال به عالم غیب راحت تر صورت گرفته و
استجاب دعا سریعتر خواهد بود.

از بارزترین ویژگی‌های مکتب تشیع، گنجینه‌های گرانبهای از
ادعیه پر مغز توحیدی است که از اهل بیت : به ما رسیده
و هر یک به تنهایی برای اثبات برتری این مکتب بر سایر
اندیشه‌های بشری کافی است.

قرائت قرآن

تلاوت قرآن در حرم‌های مطهر نیز از جمله کارهای بافضیلت
است^۲. در اعمال حج نیز از بهترین اعمال در مسجدالحرام،
تلاوت قرآن است. همچنین در زیارت ائمه هدی و سایر اولیای

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۷.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۲۶ ح ۴.



الهی، قرائت قرآن و اهدای ثواب آن به صاحب قبر سفارش اکیدی شده است.^۱ و چه خوب که تلاوت قرآن همراه با تدبّر و تأمل باشد که انس با کلام الهی در اماکن مقدس، تأثیر معنوی بیشتری داشته باشد. همچنین می‌توانیم ثواب تلاوت قرآن را به ارواح گذشتگان و سایر مؤمنان هدیه فرستیم.^۲ در خصوص زیارت ابی‌عبدالله ۷ خواندن سوره حمد، معوذتین، سوره قدر، آیه‌الکرسی، سوره یاسین و آیات آخر سوره حشر سفارش شده است.^۳

زیارت وداع

ادب، اقتضا دارد که زائر پس از اتمام ایام زیارت، برای خداحافظی به حرم مشرف شود و ضمن سپاس، آرزوی خود را برای بازگشت دوباره اعلام کند و از خدا بخواهد. هم در سفر حج، مستحب است «طواف وداع» انجام دهد، هم در زیارت حرم پیامبر و ائمه بقیع، : زیارت وداع مستحب است، هم در حرم‌های دیگر. آداب خاصی برای طواف وداع نقل شده است^۴ و در سیره معصومین : هم نمونه‌هایی از عمل آنان نقل شده است. در وداع حضرت صادق، حضرت کاظم، حضرت هادی : نمونه‌هایی از حالت خاشعانه هنگام وداع و سر به سجده گذاشتن و سجده‌های طولانی و نماز و دعای ویژه نقل شده است. از خواسته‌های زائر هنگام وداع، این است که آخرین زیارت نباشد و دوباره برگردد.

۱- مناسک زایر (آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی) ص ۲۹۵.

۲- البلد الامین والدرع الحصین ص : ۳۱۰

۳- کامل الزیارات، ص ۲۲۴

۴- الحج والمعمره فی الکتاب والسنة، محمدی ری‌شهری، ص ۲۶۵.



بیست و چهارم ذی القعدة: آداب زیارت (۳)؛ آداب پس از تشریف

مناسبت: ایام زیارتی امام رضا 7

برنامه تحول و رشد

یکی از آثاری که انسان بایستی از زیارت کسب نماید و ثمره طبیعی همنشینی با اولیاء الهی است، زنده شدن عشق و عطش فطری نسبت به رشد معنوی است در این راستا لازم است بعد از پایان زیارت و یا در متن زیارت هر کدام از زائران محترم برای خود یک برنامه تحولی تدوین نمایند و آنرا مبنای عمل قرار دهند. چه خوب است این موارد به صورت یک برنامه خانوادگی درآمده و با مشارکت اهل منزل در محیط خانه تبدیل به یک فرهنگ و رفتار عمومی گردد.

شکرانه زیارت، حفظ و نشر آثار زیارت

آخرین مرحله از زیارت به ادب شکر و رعایت آن برمی گردد که هم شامل چندین مرحله و گام اساسی است:

- تثبیت نگرش های توحیدی و یافته های ایمانی
- حفظ آثار زیارت، نگرش ها و معنویات کسب شده
- عمل به تعهدات صورت گرفته در برنامه عبادی

به همین دلیل لازم است زائران خوب ائمه معصومین : یک فهرست کنترلی از اقدامات لازم در زیارت را مد نظر خود قرارداده و مبنای عمل قرار دهند.

مراقبت از ذخایر معنوی زیارت

زائر حریم عشق باید بکوشد نوری که از زیارت به دست آورده است را برای خویش حفظ کند و مبادا آن را با گناه و یا همنشینی با اهل دنیا از دست بدهد علامه طهرانی رضوان الله علیه از برخی از اهل علم نقل می کردند که: روزی مرحوم حضرت آیت الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی (ره) را دیده است که برای قرائت فاتحه و زیارت اهل قبور به وادی السلام می روند. آرام آرام به دنبال ایشان حرکت می کند به طوری که ایشان متوجه نشوند، هنگامی که به وادی السلام



می‌رسند می‌بیند نفخه‌ای خوش از ایشان فضای وادی السّلام را عطرآگین می‌کند. مدّتی در بین قبور حرکت کرده و فاتحه می‌خوانند و همین‌طور آن بوی عطر در فضا منتشر بوده تا اینکه از قبرستان خارج می‌شوند.

در راه برگشت با یکی از علمای نجف روبه‌رو می‌شوند، او به آقا سیدجمال‌الدّین سلام می‌کند و ایشان ردّ سلام کرده چند کلمه‌ای صحبت می‌کنند. ایشان می‌گوید: به‌مجرد پاسخ‌دادن به سلام آن عالم و صحبت با او، آن بوی خوش از ایشان رفت. پس از جداشدن از آن شخص آقا سیدجمال‌الدّین روکردند به من و فرمودند: «دیدید آقا! با یک صحبت چگونه آن بوی خوش رفت!» من فهمیدم که ایشان از همراهی من با ایشان در قبرستان مطلع بوده‌اند.^۱



بیست و پنجم ذی القعدة: دحو الارض و تفکر در آفرینش

مناسبت: دحو الارض

نکته‌ها:

۱. شب بیست و پنجم ماه ذی القعدة شب دحو الارض است^۱، یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه به روی آب و از شبهای بسیار شریفی است که درهای رحمت الهی باز است و قیام به عبادت در آن اجر بسیار دارد.

۲. در قرآن کریم به دحو الارض اشاره شده است. خداوند در آیه ۳۰ سوره نازعات می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا» بر پایه نظر بیشتر مفسران، منظور از «دَحَاهَا» در این آیه، همان دحو الارض است.

۳. روزه در روز دحو الارض از فضیلت ممتازی برخوردار است و در روایتی آمده: که روزه این روز همانند روزه هفتاد سال است و در روایت دیگر آمده که کفاره هفتاد سال است و هر که این روز را روزه بدارد و شب را به عبادت به سر آورد برای او عبادت صد سال نوشته شود^۲.

۴. از دیگر اعمال این روز شریف دو رکعت نماز است که در آن حمد و پنج مرتبه سوره «والشمس» خوانده می‌شود و پس از نماز نیز دعایی است که در مفاتیح آمده است.

۵. گذشته از واقعه دحو الارض، رویدادهای دیگری نیز در این روز رخ داده اند که اهمیت آن را دوچندان کرده اند؛ از جمله: میلاد ابوالانبياء حضرت ابراهیم ۷ و میلاد حضرت عیسی مسیح ۷ «

۶. خداوند متعال به انسان نیروی فکر و تعقل داد که ابتدا خود را بشناسد تا بعد از آن در احوال هستی تدبّر و تفکر کند، زیرا حاصل چنین تفکری، انسان ساز است و راه عبودیت و بندگی را به بهترین شکل می‌نمایاند.

۷. آن چه در آیات و روایات در باب شرافت، تفکر به چشم می‌خورد، تفکری است که از ظلمت به نور رهنمون کند!

۱- بخارالانوار، جلد ۱۱، صفحه ۲۱۷، حدیث ۲۹.

۲- مفاتیح الجنان



تفکری که انسان را از حالت ایستایی بازستاند و به حرکت و پویایی درآورد.

۸. خداوند متعال می‌فرماید: «آیا پیش خود فکر نمی‌کنند که خدا آسمان‌ها و زمین و هر چه در بین آن‌ها است، همه را جز به حق (و برای حکمت و مصلحت) و به وقت معین نیافریده است؟»^۱

۹. امیرالمؤمنین 7 در وصیت خود به امام حسن 7 فرمود: «هیچ عبادتی همانند اندیشیدن در آفرینش خدا نیست»^۲

۱۰. امام صادق 7 فرمود: «برترین عبادت، استمرار و مداومت اندیشه درباره خدا و قدرت او است»^۳

۱۱. پیامبر اعظم 6 می‌فرمایند: «إِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةٌ قَلْبِ الْبَصِير...» اندیشیدن، مایه حیات دل شخص با بصیرت است و همان‌گونه که اگر شخص چراغ به دست در تاریکی‌ها در پرتو نور [چراغ] راه رود، بخوبی خود را نجات می‌دهد و کمتر درنگ و توقف می‌کند.^۴

۱۲. انسان با اندیشیدن در ملکوت آسمان‌ها و زمین، جایگاه خویش را به دست می‌آورد که چه اندازه حقیر و ناتوان است. چنین اعترافی سازنده خواهد بود و ارکان توحیدی آدمی را قوی و بنیادین خواهد کرد.

۱۳. امام صادق 7 می‌فرمایند: «تَفَكُّرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ

سَنَةٍ... یک ساعت اندیشیدن بهتر از یک سال عبادت است زیرا «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ»^۵

۱- روم ۳۰: ۸

۲- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۴

۳- کافی، ج ۳، ص ۹۵

۴- بحار الانوار : ۱۷/۱۷/۹۲

۵- بحار الانوار : ۲۲/۳۲۷/۷۱



بیست و ششم ذی القعدة: قناعت

نکته‌ها:

۱. «قناعت» در لغت به معنای تنازل است تا آنجا که فرد زندگی خود را با امکاناتی که در دست دارد، منطبق سازد. از مصادیق آن، رضایت دادن به چیزی است که به او می‌رسد.
۲. پیامبر اکرم 7 می‌فرماید: «خَيْرُ أُمَّتِي الْقَانِعُ، وَ شَرُّهُمْ الطَّامِعُ.» بهترین امت من، قناعت‌کنندگان و بدترینان آنها، طمعکاران هستند.^۲

۳. اهمیت قناعت در زندگی به حدی است که امام زین العابدین 7 در پاسخ به فردی که از ایشان جویای برترین اعمال شده بود، فرمودند: «هُوَ أَنْ يَقْنَعَ بِالْقَوْتِ...» برترین عمل این است که انسان به آنچه در دست او است، قانع باشد.^۳

۴. امیرالمؤمنین 7 در اوصاف انبیاء فرموده‌است: «...مَعَ قَنَاعَةٍ تَمَلُّ الْقُلُوبَ وَالْعُيُونَ غَنًى، وَ خُصَاصَةً تَمَلُّ الْأَبْصَارَ وَ الْأَسْمَاعَ أَذًى» دارای قناعتی هستند که دلها و چشمها را پر از بی نیازی می‌کند، هر چند فقر و ناداری آنها، چشمها و گوشها را از ناراحتی لبریز سازد.

۵. امیرالمؤمنین 7 می‌فرماید: «نَعَمَ الْحَظُّ الْقَنَاعَةُ»^۴ قناعت لذت و بهره بسیار نیکویی است.

۶. شناخت و اعتقادات درست عامل مهمی برای قناعت است. وقتی انسان معتقد باشد که روزی رسان خداست، انسان فقط وظیفه دارد کارهایی را انجام دهد، اما نتیجه در اختیار خداست، حریص نمی‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه رزق و روزی او بر خداست.^۵

۷. اگر انسان بداند در سایه حرص و طمع ضررهای دنیوی و اخروی از قبیل غم و غصه، ناراحتی، سلب آسایش و گرفتاری قیامت و در مقابل در سایه قناعت راحتی، آسایش، آرامش و سربلندی در روز قیامت به دست می‌آید، زمینه پذیرش قناعت در انسان بیشتر می‌شود.

۱- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ج ۹، ص ۳۲۷

۲- کنز العمال : ۷۰۹۵.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۳۲

۴- نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

۵- غرر الحکم : ۹۸۸۷.

۶- هود: ۶



بیست و هفتم ذی القعدة: مصائب و بلايا

نکته‌ها:

۱. در آیات قرآنی بارها از سنت امتحان با عناوینی چون ابتلاء، فتنه و امتحان و عبارات مفید این معنا، سخن به میان آمده است و هیچ انسان و جامعه‌ای را بیرون از دایره سنت ندانسته است.^۱

۲. بلاها و مصائب همیشه نشانگر خشم و عذاب الهی نیست، خداوند افراد با ایمان و صالح را نیز گرفتار بلاها می‌کند اما این گرفتاری برای آزمایش است تا صالحین با ثبات قدمی خود به درجات بالاتری در پیشگاه خداوند نایل گردند. لذا امام صادق ۷ می‌فرماید: «هیچ گرفتگی و گشایشی صورت نمی‌گیرد مگر این که خداوند در آن، بخشش و آزمایشی دارد».^۲

۳. امام باقر ۷ می‌فرماید: «خداوند چون دوستدار بنده‌ای باشد، در بلا و مصیبتش غرقه سازد و باران گرفتاری بر سرش فرود آورد و آنگاه که این بنده خدا را بخواند، فرماید: لیبک بنده من! بی‌شک اگر بخواهم خواسته‌ات را زود اجابت کنم می‌توانم اما اگر بخواهم آن را برایت اندوخته سازم این برای تو بهتر است»^۳

۴. انسان‌ها هر چه به خدا نزدیکتر باشند، آزمون‌های آنان بیشتر خواهد شد. از این رو امام صادق ۷ می‌فرماید: چهل شب بر بنده مومن نگذرد مگر اینکه واقعه‌ای برایش رخ دهد و او را غمگین سازد و به واسطه آن، متذکر گردد.^۴

۵. امام صادق ۷ می‌فرماید: در بهشت مقام و منزلتی وجود دارد که هیچ بنده‌ای به آن نرسد، مگر به درد و بیماری ای که در بدنش حادث شود.^۵

۶. انسان ذاتاً سرکش هست و اگر در زندگی مشکلی نداشته باشد گرفتار غفلت می‌شود. امام باقر ۷ می‌فرماید: خدا مؤمن را از دنیا پرهیز می‌دهد، همچنان که طیب بیمار را (از

۱- مؤمنون: ۳۰؛ عنکبوت: ۲۰؛ محمد: ۳۱

۲- توحید صلوق، ص ۳۵۴.

۳- کافی ج ۲ ص ۲۵۳

۴- کافی ج ۲ ص ۲۵۴

۵- کافی ج ۲ ص ۵۵۲



بعضی خوردنی ها و آشامیدنی ها) پرهیز می‌دهد.^۱
 ۷. بلایا و مشکلات سبب می‌شود توانمندی‌ها و
 سستی‌های انسانها آشکار گردد لذا امیرالمؤمنین 7
 می‌فرماید: «فِي تَقْلُبِ الْأَحْوَالِ عِلْمَ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ،
 وَالْإِيَّامُ تُوضِحُ لَكَ السَّرَائِرَ الْكَامِنَةَ»^۲ در دگرگونی
 های احوال و زمانه است که گوهر مردان شناخته
 می‌شود، و روزگار نیت‌های پنهان را برای تو آشکار می
 سازد.

۸. امام علی 7 می‌فرماید: «خداوند بندگان را با انواع
 سختیها می‌آزماید و با رنج و کوشش‌های گوناگون به بندگی
 وادارشان می‌کند و با انواع ناخوشاینها امتحانشان می‌کند تا:
 ۱- خودبزرگ‌بینی را از دل‌هایشان بیرون کند؛ ۲- فروتنی را در
 جان‌هایشان جای دهد؛ ۳- این را درهائی قرار دهد گشوده به
 سوی فضل و بخشش خود؛ ۴- وسایلی آماده برای گذشت و
 آمرزش خویش^۳»

۹. امام علی 7 می‌فرماید: «به ثروت و رفاه، دل شاد مشو و
 از تهیدستی و گرفتاری، اندوه به دل راه مده؛ زیرا طلا با آتش
 گداخته و ناب می‌شود و مؤمن با بلا و گرفتاری.»

۱- همان

۲- بحار الأنوار: ۱/۲۸۶/۷۷.

۳- نهج البلاغة: خطبة ۱۹۲.



بیست و هشتم ذی القعدة: تقابل حق و باطل

نکته‌ها:

۱. حق و باطل به هیچ عنوان قابل جمع نیستند. به این معنا که اگر چیزی حق نباشد به طور قطع باطل خواهد بود «فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ» [و بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟]

۲. حضرت علی ۷ می‌فرماید: «میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست.» از آن حضرت درباره معنای این فرمایش سؤال شد. امام ۷ انگشتان خود را به هم چسباند و آنها را میان گوش و چشم خود گذاشت و آن‌گاه فرمودند: «باطل این است که بگویی: شنیدم و حق آن است که بگویی: دیدم.»^۱

۳. امام صادق ۷ می‌فرمایند: «انسان هرگز به حقیقت ایمان دسترسی پیدا نمی‌کند مگر آن که حق را بر باطل مقدم کند، هر چند حق به ضررش باشد و باطل به نفعش باشد»^۲

۴. پیامبر گرامی اسلام ۶ در نصایحشان به ابوذر می‌فرمایند: «يَا أَبَا ذَرٍّ، الْحَقُّ ثَقِيلٌ مُرٌّ، وَ الْبَاطِلُ خَفِيفٌ حُلْوٌ، وَ رَبُّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ تَوْرَثُ حُزْنَ طَوِيلًا.» حق، سنگین و تلخ است و باطل، سبک و شیرین و بسا خواهش و هوا و هوس که لحظه‌ای بیش نمی‌ماند، اما غم و اندوهی طولانی به دنبال می‌آورد.^۳

۵. امام علی ۷ می‌فرمایند: اگر باطل با حق در نیامیزد بر حقیقت جویان پوشیده نمی‌ماند و اگر حق با باطل آمیخته نشود، زبان دشمنان آن بریده می‌شود، لیکن مستی از آن برداشته می‌شود و مستی از این [و بدین ترتیب حق و باطل در هم آمیخته می‌شود و شبیه پیش می‌آید].^۴

۶. امام علی ۷ می‌فرمایند: هر کس باطل را یاری کند به حق ستم کرده است.^۵

۷. امام علی ۷ می‌فرمایند: بسا گمراهی‌ای که با آیه‌ای از کتاب خدا آراسته شود همچنانکه درهم مسی با روکشی از نقره تقلبی آراسته می‌گردد!

۱- یونس ۱۰: ۳۲.

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۴۱.

۳- بحار الأنوار؛ ج ۲؛ ص ۱۱۴.

۴- الامالی شیخ طوسی ص ۵۳۳.

۵- نهج البلاغه : خطبه ۵۰.

۶- غرر الحکم: ۶۰۴۱.

۷- غرر الحکم: ۶۹۶۹.



بیست و نهم ذی القعدة: درسهایی از زندگی امام جواد 7 (۱)

مناسبت: مسموم کردن امام جواد 7 توسط معتصم^۱

نکته‌ها

۱. سه پیامبر در کودکی به این مقام رسیدند: حضرت سلیمان، حضرت عیسی، حضرت یحیی : «وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبَاً»^۲ همچنین سه امام هم در کودکی به مقام امامت رسیدند: امام جواد، امام هادی، امام زمان : .
۲. از آنجا که علم امان : از سرچشمه علم الهی می باشد، کوچکی و بزرگی سن در علم امام دخالتی ندارد. حدیث داریم «يَتَوَارَثُ أَصَاغُرُنَا عَنْ أَكَابِرُنَا»^۳

۳. امام رضا 7 درباره فرزند گرامیشان می فرماید: «هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ». [این است مولودی که برای شیعیان ما از او بابرکت تری زائیده نشده].

۴. شخصی به عنوان هدیه، اسباب بازی گران قیمتی برای امام جواد 7 آورد، حضرت به آن شخص فرمود: «مَا لِهَذَا خَلَقَنِي اللَّهُ» درست است سن من کیم است اما خدا مرا برای بازی خلق نکرده است. «مَا أَنَا وَاللَّعِبُ» مرا به بازی چه کار؟!

۵. معروف ترین لقب امام نهم 7 ، «جواد» است. حضرت را به سبب عطای فراوانش، و سخاوت و جودی که داشتند به این نام خوانده اند که برگرفته از نام های زیبای پروردگار متعال است. در فرازی از دعای امام صادق 7 می خوانیم: «أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْجَوَادُ الْمَاجِدُ»^۴

۶. امام جواد 7 شبی را تا صبح قدم می زد و چنین دعا می کرد: «اللَّهُمَّ قِنِي شُحَّ نَفْسِي» [خدایا مرا از خسیسی و بخل حفظ کن]. شخصی خدمت رسید و عرضه داشت: آقا از سر شب تا صبح یک دعا کردید. حضرت فرمودند: چه چیزی بدتر از خسیسی و بخل است؟! زیرا خداوند

۱- منتهی الآمال، تاریخ زندگانی امام محمد تقی 7

۲- مریم/۱۲

۳- کافی/ج ۱/ص ۳۲۰

۴- بحار الانوار/ج ۵۰/ص ۵۸

۵- الکافی، ج ۲، ص ۵۳۸.



می فرماید: «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱.
۷. مردی نزد امام جواد ۷ آمد و گفت: به اندازه مروتت به
من عطا کن. حضرت پاسخ داد: این اندازه ندارم. مرد گفت:
به اندازه من. حضرت فرمود: ای غلام! به او صد دینار عطا
کن.^۲

۱- تغاین: ۱۶۱۴. [و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند، آنان رستگاراند].

۲- کشف الغمّة: ج ۳ ص ۱۵۸.



آخر ماه ذی القعدة: درسهایی از زندگی امام جواد 7 (۲)

مناسبت: شهادت امام نهم، امام محمدتقی 7

نکته‌ها:

۱. امام جواد 7 همواره به شیعیان خود سفارش می‌کرد که نسبت به والدین خود با کمال ادب و احترام رفتار کنند. آن حضرت حتی به یارانش تأکید می‌کرد که اگر پدر و مادر آنان، باورهای ناصحیح و اعتقادات فاسدی هم داشته باشند، باز هم از تکریم آنان دریغ نکنند.^۱

۲. خدمت به مردم و رفع نیازهای آنان سیره عملی امام جواد 7 بود. ایشان می‌فرمود: «ثَلَاثٌ يُبْلَغُنَ بِالْعَبْدِ رُضْوَانُ اللَّهِ كَثْرَةُ الْاسْتِغْفَارِ وَ خَفْضُ الْجَانِبِ وَ كَثْرَةُ الصَّدَقَةِ» انسان با داشتن سه خصلت پسندیده به مقام رضوان و خشنودی الهی می‌رسد: زیاد طلب آمرزش کردن، نرم‌خوئی و مدارا با مردم و زیاد صدقه دادن.^۲

۳. مردی به آن حضرت گفت: مرا اندرز و سفارش فرما. حضرت فرمودند: آیا تو اندرز می‌پذیری؟ گفت: آری! آنگاه امام جواد 7 فرمودند: صبر را بالش خود ساز و با فقر دست به گردن شو و شهوت‌ها را دور ساز و با هوای نفس مخالفت ورز و بدان که همواره در دیدرس خدایی، پس بین چگونه باید باشی.^۳

۴. منزل امام جواد 7 محل پناه گرفتاران و حاجتمندان بود. هر کسی که به منزل ایشان وارد می‌شد حتی قبل از اظهار گرفتاری و خواسته خود، امام 7 از راز نهانی او خبر می‌داد و گره از مشکلات زندگی‌اش باز می‌کرد.

۵. رها کردن بردگان نیز سیره امام جواد 7 در جهت احسان و دستگیری از درماندگان بود. اساساً برنامه‌های اسلام طوری تنظیم شده است که انسانها را از زنجیر بندگی دیگران آزاد کنند و تحت عبودیت آفریدگار جهان در بیاورند.

۱- بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۵۵

۲- کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۹۵

۳- تحف العقول: کلمات قصار امام جواد 7 ح ۱.



۶ امام جواد 7 در مقابل مصائب و گرفتاری‌های روزگار مردم را به صبر و شکیبایی دعوت می‌کردند. حضرت در نامه‌ای به یک مرد مصیبت زده از او دل‌داری کردند و برایش از خداوند درخواست اجر و صبر بر مصیبت فرمودند.



